

### چکیده

موفقیت‌پایی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ترکیه در دهه نخست هزاره سوم، سوالات بسیاری را در محافل سیاسی و آکادمیک در کشورهای مختلف برانگیخت؛ چگونگی تحول در فرآیند جریان اسلام‌گرایی در سال‌های پس از تاسیس نظام سکولار در این کشور و چگونگی رشد و گسترش این جریان، از مسائلی بوده است که نگاه بسیاری از این محافل را به خود جلب کرد. اما آنچه که بیشتر از هر چیز مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت، اینکه جریان اسلام‌گرایی پیروز در یک دهه اخیر تا چه حد می‌تواند ادامه همان جریان اسلام‌گرایی در دهه‌های پس از تاسیس نظام لایبیک در این کشور باشد. نکته مهم‌تر اینکه، جریان اسلام‌گرایی حزب عدالت و توسعه تا چه حد پدیده‌ای متفاوت از جریان اسلام‌گرایی در گذشته است؛ آیا گفتمان ارایه شده از سوی جریان اسلام‌گرایی در دهه ۹۰ ادامه همان گفتمان جریان اسلام‌گرایی در گذشته است یا اینکه با گفتمان کاملاً متفاوتی در عرصه سیاسی ترکیه ظاهر شده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام‌گرایی، غرب‌گرایی، آرمان‌گرایی، عمل‌گرایی، سکولاریسم، حزب عدالت و توسعه

## مقدمه

جریان اسلام‌گرایی از لحاظ تاریخی ریشه در اقدامات و سیاست‌های دولت‌مردان امپراتوری عثمانی دارد؛ یعنی درست زمانی که رهبران این امپراتوری تصمیم گرفتند به منظور جبران عقب‌ماندگی‌ها و شکست‌های خود در برابر اروپا به اصلاحات روی آورند، زمینه برای شکاف میان دین و دولت نیز فراهم شد. اقدامات صورت گرفته در زمان امپراتوری موجب شد تا در آستانه قرن بیستم و قبل از تاسیس جمهوری ترکیه، سه جریان عمده سیاسی؛ یعنی عثمانی‌گرایی، اسلام‌گرایی و غرب‌گرایی در سطح اجتماعی - سیاسی این کشور، حضور یابند. با شروع جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴، ترکیه نیز در معرض خطر نابودی قرار گرفت. در این شرایط بحرانی، ارتش ترکیه که از آغاز شکل‌گیری امپراتوری عثمانی هم ماموریت‌های نظامی و هم ماموریت‌های سیاسی را بر عهده داشت، تصمیم گرفت ترکیه را از طمع‌ورزی‌های دولت‌های بیگانه نجات دهد؛ بدین ترتیب با توجه به نقشی که نظامیان این کشور در جلوگیری از نابودی ترکیه داشتند، در پایان این جنگ به‌عنوان ناجی کشور ظاهر شدند. این امر موجب شد جریان غرب‌گرایی که پایه‌های آن در زمان امپراتوری عثمانی تحکیم و تقویت شده بود، پس از جنگ جهانی اول نیز با هدایت فرمانده آن؛ مصطفی کمال آتاتورک، نظام جمهوری لاییک ترکیه را در سال ۱۹۲۳ تاسیس کند.

جریان اسلام‌گرایی در ترکیه از زمان تاسیس نظام لاییک در این کشور تا به امروز در فرآیند تحول خود با فراز و نشیب‌های زیادی مواجه بوده است. این جریان در طول قرن بیستم به تدریج در ساختار سیاسی لاییک این کشور وارد و در اواخر قرن بیستم از جایگاه نسبتاً قابل توجهی برخوردار شده است، اما در دهه نخست قرن ۲۱ جریان اسلام‌گرایی وارد فرآیند سیاسی کاملاً متفاوتی شده است؛ پیروزی حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در انتخابات پارلمانی این کشور در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ با آرای بسیار بالا در تاریخ این کشور بی‌سابقه بوده است. در واقع باید گفت دستیابی این حزب به قدرت با کسب اکثریت قاطع آراء، بیان‌گر بروز و نمود عینی اسلام‌گرایی در این کشور بوده است.

جریان اسلام‌گرایی در ترکیه از سال ۱۹۲۳ با توجه به دگرگونی‌های ساختاری در نظام

سیاسی این کشور و حرکت تدریجی این کشور به سوی یک نظام دموکراتیک، در دوره‌های مختلف تلاش کرده است با استفاده از فرصت‌های موجود، در چارچوب این نظام و به‌طور قانونی وارد فرآیندهای سیاسی و اجتماعی شود؛ تلاشی که در دهه اول قرن ۲۱ به ثمر نشست. در نتیجه می‌توان پرسید: تغییرات در ساختار سیاسی و اقتصادی ترکیه از زمان تاسیس نظام لاییک در این کشور تا دستیابی حزب عدالت و توسعه به قدرت، چه تاثیری بر ظهور و رشد جریان اسلام‌گرایی داشته است؟ همچنین، عوامل موثر در تغییر رویکرد این جریان از آرمان‌گرایی به عمل‌گرایی در یک دهه اخیر چه بوده است؟

در مسیر پاسخگویی به این سؤالات از شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی برای بررسی موضوع استفاده شده است. شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای - اسنادی بوده است. در این چارچوب، تلاش خواهد شد با بررسی تحولات جریان اسلام‌گرایی در دوره‌های مختلف از حیات سیاسی نظام لاییک در ترکیه، فرآیند تغییر در رویکرد آرمان‌گرایانه این جریان و گذار به عمل‌گرایی آن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

### دوره اول: نظام تک‌حزبی و آغاز تقابل غرب‌گرایی با اسلام‌گرایی

پس از تاسیس نظام جمهوری در ترکیه در سال ۱۹۲۳ نظام تک‌حزبی توسط آتاتورک بر این کشور حاکم شد، به شکلی که تا سال ۱۹۴۵ فعالیت تمامی احزاب و جریان‌های سیاسی ممنوع گردید. آنچه در این جمهوری نوبنیان بیش از هر چیز قابل توجه بود، اینکه نظامیان در حوزه سیاست و نظارت بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی نفوذ مستقیم داشتند؛ آتاتورک با ایجاد نظام تک‌حزبی در واقع به ارتش امکان داد به صحنه اجتماعی وارد شده و به‌عنوان ضامن حفظ و بقای این نظام عمل کند. با توجه به اینکه جریان غرب‌گرا هیچ اعتمادی به جامعه ترکیه نداشت و از سوی دیگر کمالیست‌ها همواره از اینکه کشور ممکن است به خاطر گرایش‌های مذهبی و فرقه‌ای در معرض تجزیه قرار گیرد، احساس نگرانی می‌کردند،<sup>۱</sup> بنابراین، به ارتش نقشی بیش از ماموریت اصلی آن داده شد تا به‌عنوان حامی اصلی و واقعی کشور و نظام سکولار عمل کند.

ارتش از زمان تاسیس جمهوری لاییک در ترکیه در ۱۹۲۳ همواره به‌عنوان یک نهاد مستقل

عمل کرده و به هنگام وقوع یک بحران سیاسی در این کشور، در سیاست دخالت کرده است، چون ارتش مدعی است، چنانچه حکومت جمهوری لاییک از مسیر اصلاحات آتاتورک و اصول آن منحرف گردد، نه تنها حق نظارت بر قوه مجریه (رییس‌جمهور و نخست‌وزیر) را دارد، بلکه در صورت لزوم می‌تواند به‌عنوان یک نهاد مستقل، آنها را از قدرت خلع کند.<sup>۲</sup> با توجه به نگرش فوق در میان جریان غرب‌گرای حاکم بر این کشور، زمام‌داران جدید در نظام سکولار ترکیه تصمیم گرفتند تا در تدوین قانون اساسی این کشور به نقش نظامیان در حفظ این نظام توجه خاص داشته باشند. بنابراین در ماده ۳۵ قانون اساسی ترکیه تاکید شده بود که نیروهای مسلح کشور می‌توانند در صورت بروز خطر برای جمهوری و دموکراسی مداخله کرده و قدرت را در دست گیرند.<sup>۳</sup> با توجه به تحولات و اقداماتی که از سوی جناح غرب‌گرا از سال ۱۹۲۳ به بعد در ترکیه صورت گرفت، می‌توان گفت سکولاریسم و اسلام همواره دو گزینه‌ای بوده‌اند که در دوران حاکمیت سکولارها در ترکیه به‌گونه‌ای آشکار و در میان بدنه سیاسی و اجتماعی این کشور در حال چالش با یکدیگر بوده‌اند. کشور ترکیه پس از حاکمیت سکولارها بر این کشور، شاهد اقدامات ضد دینی آتاتورک در این کشور بوده است؛ چون آتاتورک قویا ایمان داشت که اگر ترکیه بخواهد مدرن شود، باید از دولت اسلامی به جمهوری سکولار تبدیل شود.<sup>۴</sup> سکولارها در این دوره با اتخاذ تصمیم‌های گسترده در جهت زدودن مظاهر دین از جامعه اسلامی ترکیه، به‌شکلی رفتار کردند که به عقیده برخی از صاحب‌نظران بخش عمده اقدامات آنها صرفاً حوزه‌های دینی را در بر می‌گرفت.<sup>۵</sup>

در واقع آتاتورک پس از اینکه توانست پایه‌های قدرتش را در کشور تثبیت کند، بدون نظرخواهی و همه‌پرسی از مردم، اصول لایسیسم را با زور و خشونت یکی پس از دیگری وارد شئون مختلف جامعه کرد و در نهایت مدتی قبل از مرگ نیز در آخرین اقدام، اسلام را به‌عنوان دین دولت از قانون اساسی حذف کرد. ترکیه تنها کشور مسلمانی است که در متن قانون اساسی آن عبارت «اسلام دین رسمی کشور است» نیامده، بلکه در ماده ۲ قانون اساسی این کشور آمده است که جمهوری ترکیه یک دولت دموکراتیک، سکولار و سوسیالیست است که بر اساس حاکمیت قانون اداره می‌شود.<sup>۶</sup> از سوی دیگر، درحالی‌که آتاتورک و پیروانش در جهت

سکولاریزه کردن جامعه ترکیه تلاش می کردند، در همین حال این کشور شاهد اعتراضات گسترده گروه‌ها و جریان‌های مذهبی به‌خصوص علمای دینی در شهرهای مختلف علیه اقدامات این رژیم بود؛ این شرایط بحرانی که در نتیجه شکاف میان «دین و دولت» در ترکیه به‌وجود آمده بود، در نهایت به تقویت جنبش اسلام‌گرایی در این کشور منجر شد. ادوارد مورتیر، نویسنده بریتانیایی، در این خصوص می‌گوید: «مصطفی کمال پاشا، به‌رغم تمام اقداماتی که برای مدرن ساختن ترکیه انجام داد، اما هیچ‌گاه نتوانست شعور دینی اکثریت مردم این کشور را که قرن‌ها در قلب‌ها و عواطف آنها جاری بود، نابود سازد.»<sup>۷</sup>

با درگذشت آتاتورک در سال ۱۹۳۸، معاون او عصمت اینونو قدرت را در دست گرفت. رییس‌جمهوری جدید نیز چون گذشته تعهد خود به نظام لایبک و حرکت در مسیر سیاست‌ها و برنامه‌های سلف خود را اعلام کرد. دولت جدید همچنین بر بقای نظام تک‌حزبی در کشور تاکید کرد و در سال نخست دست‌یابی به قدرت با مشکلی خاص مواجه نشد و نظام لایبک با همان نظام تک‌حزبی به حیات خود ادامه داد؛ اما با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹، زمینه برای بروز نارضایتی در سطح عمومی آغاز شد و به‌دلیل مشکلات معیشتی که برای مردم در نتیجه جنگ جهانی پدید آمده بود، اعتراضات از سوی طبقات مختلف مردم متوجه سطره دولت بر اقتصاد و انتقاد از نظام تک‌حزبی گردید. آنچه بیش از هر چیز سران لایبک را در این مقطع نگران کرده بود، شکاف ایجاد شده میان دولت و مردم مسلمان آن کشور بود؛ این امر بیان‌گر آن بود که جریان غرب‌گرا به‌رغم اقدامات گسترده آتاتورک برای اسلام‌زدایی از شئون اجتماعی جامعه نتوانسته بود گفتمان خود را در این کشور مسلط کند، بلکه اسلام همچنان یک گزینه اثرگذار در حیات سیاسی - اجتماعی این کشور محسوب می‌شد.

### دوره دوم: نظام چند حزبی و آغاز رشد گفتمان اسلام‌گرایی

مشکلات ناشی از جنگ جهانی دوم از یک طرف نظام تک‌حزبی سکولار ترکیه را در داخل و از سوی دیگر در سطح بین‌المللی با یک چالش جدی مواجه ساخته بود. این شرایط موجب شد تا حزب حاکم سکولار برای پاسخ به چالش‌های پیش رو، فضای جدیدی را در کشور ایجاد کند،

به‌شکلی که هم به اعتبار خود در داخل بیفزاید و هم به منظور تحقق رویای طلایی آتاتورک برای پیوستن به اتحادیه اروپا، در جهت برقراری آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در داخل تلاش نماید. در این فضای جدید بسیاری از ممنوعیت‌ها و فشارهایی که آتاتورک و جانشینش ایجاد کرده بودند، از میان برداشته شد و مسلمانان برای اولین بار اجازه یافتند تا اعمال و عبادات دینی خود را آزادانه انجام دهند. اما مهم‌ترین دستاورد فضای جدید، استقرار نظام چندحزبی در داخل ترکیه بود که به باور بسیاری تاثیر جدی بر رشد اسلام‌گرایی در داخل ترکیه داشت. در فضای جدید ایجاد شده از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۰، هشت حزب سیاسی در عرصه سیاسی ظاهر شدند که تمامی آنها در برنامه‌های حزبی خود به امور مذهبی توجه کرده بودند. روشن است که فضای باز دموکراتیک در داخل ترکیه در سال ۱۹۴۶ نقطه عطفی برای ظهور و رشد اسلام‌گرایی پس از دو دهه انزوا محسوب می‌شود. با استقرار نظام چندحزبی سیطره و اقتدار حزب جمهوری‌خواه خلق که بیش از دو دهه قدرت را به‌طور انحصاری در اختیار داشت کاهش یافت، به شکلی که این حزب برخلاف گذشته ناگزیر بود برای دستیابی به قدرت به رقابت با سایر احزاب موجود بپردازد. پس از اینکه در سال ۱۹۵۰ احزاب مختلف سیاسی برای اولین بار برای ورود به پارلمان ترکیه به رقابت با یکدیگر پرداختند، حزب دموکرات به رهبری عدنان مندرس به اکثریت قاطع در مقابل حزب جمهوری‌خواه خلق دست پیدا کرد. در این انتخابات حزب دموکرات موفق شد به ۳۹۶ کرسی در مقابل ۶۸ کرسی حزب جمهوری‌خواه خلق به پیروزی برسد. بسیاری پیروزی حزب دموکرات به رهبری مندرس در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۵۰ در ترکیه را یک حادثه بسیار مهم در تاریخ سیاسی این کشور تلقی کردند. روزنامه‌های ترکیه نیز در ارزیابی این انتخابات آن را حادثه‌ای مهم توصیف کردند؛ روزنامه وطن در مقاله‌ای در این خصوص نوشت: «حزب دموکرات تنها نتایج انتخابات را تغییر نداد، بلکه توانست حزب جمهوری‌خواه خلق را نیز شکست دهد.»<sup>۸</sup> البته حزب دموکرات یک حزب اسلام‌گرا نبود، اما شعارهای انتخاباتی این حزب که عمدتاً بر پایان دادن به سیاست‌های حزب وابسته به آتاتورک بود، نقش مهمی در پیروزی‌اش در انتخابات داشت. بدون تردید مواضع ضدسکولار و اسلام‌گرایانه مندرس در جذب آرای توده‌های مسلمان ترکیه نقش موثری داشت. حزب دموکرات بنا به وعده‌های انتخاباتی خود اصلاحات گسترده‌ای را

به عمل آورد که بخش عمده آن مربوط به شعائر اسلامی بود؛ اجازه اذان گفتن به زبان عربی، اجازه تلاوت آیات قرآن در رسانه‌های گروهی، تاسیس مدارس مذهبی رسمی و افزایش بودجه سازمان دیانت از جمله اصلاحات حزب دموکرات در داخل ترکیه بود.

### تاسیس اولین حزب اسلام‌گرا در ترکیه

پس از استقرار نظام چندحزبی در ترکیه، تمامی احزابی که به رقابت با حزب جمهوری خواه خلق پرداختند، با عنوان احزاب سکولار در عرصه سیاسی ترکیه ظاهر شدند. هرچند برخی از آنها چون احزاب دموکرات و عدالت با مطالبات اسلام‌گرایان همراهی می‌کردند و برخی از اسلام‌گرایان از جمله اربکان نیز به عضویت یکی از این احزاب درآمدند، اما هیچ‌یک از این احزاب به عنوان یک حزب اسلام‌گرا محسوب نمی‌شدند. اما با آغاز دهه ۱۹۷۰ میلادی، جریان اسلام‌گرایی شاهد عصر جدیدی برای گسترش فعالیت‌های اسلام‌گرایانه در عرصه سیاسی و اجتماعی ترکیه بود، چون جریان اسلام‌گرا از وابستگی به حزب سکولار عدالت خارج شد و اسلام‌گرایان تصمیم گرفتند خود حزبی اسلام‌گرا تاسیس کنند. به‌رغم اینکه قانون اساسی ترکیه هرگونه بهره‌برداری از دین را برای مقاصد سیاسی ممنوع کرده بود، اسلام‌گرایان به‌رغم آگاهی از فشار ارتش برای جلوگیری از فعالیتشان به این نتیجه رسیدند که باید از انزوای سیاسی خارج شوند؛ آنان بر این باور بودند که دو حزب دموکرات و عدالت، احزابی لیبرال هستند و صرفاً با شعار آزادی عقیده از احساسات مذهبی استفاده می‌کنند.<sup>۹</sup> با توجه به موقعیت و جایگاهی که اسلام‌گرایان در دهه ۱۹۶۰ به خاطر انجام فعالیت‌های خیریه در افکار عمومی ترکیه به‌دست آوردند و از سوی دیگر با توجه به مشکلات اقتصادی که از سوی حزب حاکم عدالت برای جامعه به‌وجود آمده بود، زمینه برای تاسیس یک حزب جدید با برنامه‌های جدید در عرصه رقابت‌های سیاسی فراهم شده بود. از آنجا که اربکان در مواضع خود سخن از بی‌نیازی کشور به کالاهای غربی و تاکید بر صنعت ملی و فرهنگ ملی به میان آورده بود، رویکرد مردم به اسلام‌گرایان بیش از پیش افزایش یافته بود. در این شرایط نجم‌الدین اربکان با مشاوره با تعدادی از دوستان خود و سپس حضور در مجامع عمومی برای بیان افکار و اندیشه‌های خود تاسیس حزب نظام ملی را به عنوان اولین حزب اسلام‌گرا در تاریخ نظام سکولار

ترکیه اعلام کرد؛ بدین ترتیب می‌توان گفت: نجم‌الدین اربکان آغازگر تاسیس احزاب اسلام‌گرا در تاریخ ترکیه بوده است.

اربکان پس از تاسیس حزب نظام ملی با اشاره به اینکه دموکراسی یک وسیله است نه هدف، با یک نگاه ایدئولوژیک محور اعلام کرد: ما جزو احزابی که نماینده نظامند نیستیم. او با اشاره به اینکه مفاهیمی چون مدرنیته و لیبرال دموکراسی با اسلام سنجیتی ندارند، نظام سوسیالیستی را به‌عنوان تهدیدکننده آزادی و نظام سرمایه‌داری را به‌عنوان نظام مبتنی بر ربا و مخالف نظام عادلانه توصیف و تنها راه حل را اسلام معرفی کرد. او ضمن مخالفت با عضویت ترکیه در ناتو و حمله به اسرائیل، خواستار خروج ترکیه از ناتو و قطع رابطه با اسرائیل شد. وی همچنین بر این باور بود که ما در حل مشکلات خود بر اساس عدالت عمل خواهیم کرد نه بر اساس آنچه اروپایی‌ها می‌خواهند. او در طول دهه ۱۹۷۰ همواره تأکید می‌کرد ترکیه نباید در بازار مشترک اروپا عضو باشد، بلکه باید عضو بازار مشترک کشورهای شرقی باشد.<sup>۱۰</sup> اظهارات و مواضع اربکان بیان‌گر این بود که او بدون توجه به شرایط و واقعیت‌های موجود در ترکیه، آرمان‌گرایی را جایگزین واقع‌گرایی و عمل‌گرایی کرده بود. مواضع و شعارهای رهبران حزب نظام ملی موجب شد تا دادگاه قانون اساسی ترکیه در تاریخ ۱۹۷۱/۵/۲ درست پس از ۱۵ ماه به فعالیت این حزب پایان دهد. دلایل انحلال این حزب به شرح ذیل بود: نخست اینکه، حزب نظام ملی برخی از مواد قانون اساسی ترکیه که مرتبط با نظام لاییک است را نقض کرده است؛ از سوی دیگر این حزب با دعوت به اینکه اسلام یک نظام حکومتی است ماده ۱۶۳ قانون اساسی را که تصریح دارد «استفاده از دین برای مقاصد سیاسی ممنوع است» نقض کرده است؛ اتهام دیگر دادگاه به حزب آن بود که رهبران حزب تلاش کرده‌اند تا دروس اجباری دینی را در مدارس متوسطه وارد کنند؛ همچنین دادگاه این حزب را متهم کرد که اعضای حزب در اظهارات خود تصریح کرده‌اند به اینکه دین از سیاست جدا نیست و می‌توان با پیشینه تمدنی و فرهنگی گذشته به عصر خلافت بازگشت؛ و اتهام آخر اینکه، حزب نظام ملی با تأکید بر پایبندی به اسلامی‌سازی جامعه با غرب‌گرایی و نظام لاییک مخالفت کرده است و دوران نظام لاییک را که عمر آن به پنجاه سال رسیده، به‌عنوان عصر ضلالت و گمراهی توصیف کرده است.<sup>۱۱</sup>



### جریان اسلام‌گرایی و تحولات سیاسی ترکیه در دهه ۱۹۷۰

پس از کودتای ارتش در مارس ۱۹۷۱ رهبران کودتا تلاش کردند تا بار دیگر از عرصه سیاست عقب‌نشینی کرده و قدرت را به غیرنظامیان واگذار کنند. اربکان چون شرایط را برای حضور خود در عرصه سیاسی مناسب ندید، ترجیح داد با تماس با کادر حزب نظام ملی تاسیس حزب جدید را به آنها واگذار کرده و خود از پشت صحنه امور را هدایت کند. با هدایت و رهبری اربکان و همراهی برخی از اعضای حزب منحل شده نظام ملی در تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۷۲ حزب سلامت ملی تاسیس شد و سلیمان عارف به‌عنوان اولین رییس آن انتخاب شد. حزب سلامت ملی با راه‌اندازی روزنامه *Mill Gazete* مواضع و برنامه‌های خود را در اختیار افکار عمومی قرار می‌داد. این حزب با گسترش شعب خود در مناطق مختلف ترکیه موفق شد تا ضمن مخالفت با دیدگاه‌های چپ و راست و تأکید بر اهمیت اخلاق اسلامی افکار عمومی ترکیه را به سوی خود جذب کند. سلیمان عارف اولین رییس حزب در مواضع خود اعلام کرد نه جریان چپ و نه جریان لیبرال هیچ‌یک نتوانستند شرایط لازم را برای تحقق آنچه که قانون اساسی خواسته است فراهم سازند، اما حزب سلامت ملی هم در جهت رشد مادی و هم معنوی جامعه تلاش خواهد کرد.<sup>۱۲</sup> اربکان به‌عنوان پدر معنوی حزب که سیاست‌های حزب جدید را از پشت پرده هدایت می‌کرد، بر توسعه مدارس شریعت و گسترش دروس تربیت اسلامی در تمامی نهادهای آموزشی تأکید کرد.

حزب سلامت ملی با نقد نظام‌های سوسیالیستی و سرمایه‌داری تلاش کرد تا در چارچوب قواعد نظام دموکراسی با شعار صلح و امنیت در داخل، ایجاد ترکیه بزرگ، نهضت اخلاقی، نهضت مادی و وحدت ملی، وارد روند انتخابات در سال ۱۹۷۳ شود. به‌رغم اینکه حزب سلامت ملی تازه تاسیس شده بود، اما در انتخابات ژوئن ۱۹۷۳ توانست به ۱۱/۸ درصد از آرا دست یابد. در واقع این برای اولین بار بود که یک حزب اسلام‌گرا توانسته بود تا با ورود به بازی دموکراسی در کشور و به‌دست آوردن ۵۸ کرسی در پارلمان در دوایر حکومتی نفوذ کند.

تحلیل‌گران تحولات سیاسی ترکیه بر این باورند که همراهی افکار عمومی ترکیه با حزب سلامت ملی در پیروزی این حزب در انتخابات ۱۹۷۳ موثر بوده است، چون این حزب با شعارهای دینی و اخلاقی افکار عمومی را به سمت خود جذب کرده است؛ رهبران حزب در

خلال رقابت‌های انتخاباتی به‌طور مستقیم و شفاف مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و به آنها وعده دادند که عزت و کرامت اسلام را به جامعه باز خواهند گرداند و تعالیم دینی را با هدف تغییر و اصلاح جامعه بار دیگر احیا خواهند نمود.<sup>۱۳</sup>

### جریان اسلام‌گرایی و دولت‌های ائتلافی در ترکیه در دهه ۱۹۷۰

با توجه به نتیجه انتخابات ۱۹۷۳ هیچ‌یک از احزاب به تنهایی قادر به تشکیل دولت نبودند، بنابراین لازم بود تا دو حزب جمهوری‌خواه خلق به رهبری بلنت اجویت و حزب عدالت به رهبری سلیمان دمیرل که در صدر جدول قرار داشتند دولت را تشکیل دهند، اما به دلیل اختلاف میان رهبران این دو حزب بحران ادامه یافت. در این شرایط به منظور پایان دادن به بحران موجود حزب جمهوری‌خواه خلق دست همکاری به سوی حزب سلامت ملی دراز کرد؛ این حزب از فرصت استفاده کرد تا با ورود به دولت اهداف خود را به شکل مطلوب‌تری دنبال کند. به‌رغم آنکه برخی از اعضای دو حزب با این ائتلاف مخالف بودند، هر یک برای خود منافی را در نظر داشتند که از طریق این ائتلاف محقق می‌شد.

اربکان به‌عنوان رییس حزب سلامت ملی پس از ائتلاف با حزب جمهوری‌خواه به معاونت نخست‌وزیر انتخاب شد. او موفق شد تا برخی از وزارت‌خانه‌های کلیدی را در اختیار اعضای حزب قرار دهد و در بحران قبرس پیشنهاد پیاده کردن نیرو در این جزیره را داد که بیش از پیش به موقعیت سیاسی وی افزوده شد. از سوی دیگر، این ائتلاف موجب شد تا جریان اسلام‌گرایی برای اولین بار از سوی حزبی که منتسب به آتاتورک بود به رسمیت شناخته شود و با ورود اعضای حزب به برخی از وزارت‌خانه‌ها، فضای حاکم بر نهادهای رسمی نیز دگرگون شود. مشارکت و همراهی حزب سلامت ملی با حزب سکولار جمهوری‌خواه فرصت بسیار مناسبی بود تا این حزب موجودیت سیاسی خود را به‌عنوان یک عنصر اثرگذار به اثبات برساند.

اربکان پس از انتخاب مجدد به معاونت نخست‌وزیری در سال ۱۹۷۵، در خلال سه سال آینده به یک عنصر موثر در دولت تبدیل شد، به شکلی که بدون مساعدت حزب او امکان ادامه کار کلیدی با مشکل مواجه می‌شد. اربکان در ائتلاف دوم در سال ۱۹۷۵ با صدور بیانیه‌ای که

به نام Millie Gorus یا «دیدگاه ملی» معروف شد، اهداف و برنامه‌های جریان اسلام‌گرایی را به‌طور مشروح تبیین کرد. در این بیانیه اربکان با تأکید بر تربیت اخلاقی و دینی اعلام کرد ما صرفاً یک حزب نیستیم، بلکه یک جنبش اسلامی هستیم که بر استقلال اقتصادی و صنعتی شدن کشور تأکید داریم، ما تأکید می‌کنیم که باید از دنباله‌روی اروپا و ورود به بازارهای آن پرهیز کنیم و به جای آن با کشورهای اسلامی روابط اقتصادی و همکاری محکم برقرار سازیم.<sup>۱۴</sup> یکی از پیروان جریان اسلام‌گرایی در تبیین ویژگی‌های جنبش «دیدگاه ملی» می‌گوید: «تا دهه ۱۹۷۰ میلادی ترکیه از دوستان غرب محسوب می‌شد و رابطه‌ای با شرق و جهان اسلام نداشت. در ترکیه کسانی هستند که اصرار دارند جایگاه این کشور در غرب است، اما ما همه می‌گوییم قبله‌مان مکه، سر ما در آناتولی، یکی از بازوهای ما در قفقاز و دیگری در بالکان است.»<sup>۱۵</sup>

### اربکان و انتخابات ژانویه ۱۹۷۷

اربکان در ائتلاف دوم موفق شد زمینه‌های لازم را برای رشد اسلام‌گرایی در ترکیه فراهم سازد. احزاب رقیب در ترکیه که نگران قدرت گرفتن حزب اسلام‌گرای اربکان بودند، تصمیم گرفتند انتخابات زودرس را در سال ۱۹۷۷ برگزار کنند و از بهره‌گیری حزب سلامت ملی از ایام ماه رمضان برای جلب آرای نیروهای مذهبی جلوگیری کنند. بدین ترتیب سلیمان دمیرل انتخابات پارلمان را زودتر از موعد مقرر در ژانویه ۱۹۷۷ برگزار کرد و حزب سلامت ملی با کسب ۲۴ کرسی در جایگاه سوم قرار گرفت. پس از شروع به کار پارلمان، رهبر حزب جمهوری خواه خلق که در صدر جدول قرار داشت نتوانست از مجلس رای اعتماد بگیرد، لذا بار دیگر دمیرل از حزب عدالت با کمک حزب سلامت ملی و حزب حرکت ملی کابینه ائتلافی را با اسم جبهه ملی دوم تشکیل داد. در این کابینه ائتلافی اربکان برای بار سوم به‌عنوان معاون نخست‌وزیر انتخاب شد. این انتخاب بیان‌گر آن بود که اسلام‌گرایی به‌عنوان یک جریان فعال و اثرگذار در عرصه سیاسی ترکیه حضور دارد. البته این ائتلاف چون گذشته قوی نبود، چون به دلیل اختلاف بر سر مسائل موجود به‌ویژه مشکلات اقتصادی خیلی زود فروپاشید و در ۱۷ ژانویه ۱۹۷۸ بلنت اجویت با کمک برخی از نمایندگان مستقل و احزاب کوچک مامور تشکیل کابینه شد.

اربکان برای اولین بار در دهه اخیر به‌عنوان رییس حزب مخالف به فعالیت خود ادامه داد. کابینه بلنت اجویت به دلیل مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شدید در نوامبر ۱۹۷۹ فرو پاشید و دمیرل بار دیگر مامور تشکیل کابینه شد. از همان ابتدا مشخص بود که کابینه جدید قادر به حل مشکلات موجود نخواهد بود و دمیرل نیز از دولت خود به‌عنوان دولت بحران یاد کرده بود. به‌دلیل ادامه خشونت‌ها و تشدید مشکلات اقتصادی ارتش تصمیم گرفت برای پایان دادن به بحران موجود مداخله کند.

بدون تردید جریان اسلام‌گرایی به‌عنوان یک حرکت نوظهور در دهه ۱۹۷۰ توانست از جایگاه قابل توجهی در افکار عمومی مردم ترکیه برخوردار شود و اربکان با تاسیس دو حزب اسلام‌گرای نظام ملی و سلامت ملی در این دهه، نقش مهمی در احیای جریان اسلام‌گرایی در ترکیه و به چالش کشیدن نظام سکولار ایفا کرد. وی با پایبندی به قواعد بازی دموکراتیک به دولت‌های ائتلافی سکولار پیوست، به‌رغم مخالفت برخی از اعضای حزب با همکاری او با احزاب چپ و راست، موفق شد زمینه را برای گسترش جایگاه و نفوذ احزاب اسلام‌گرا در آینده آماده سازد. اربکان درصدد بود تا به احزاب سکولار نشان دهد که به‌عنوان یک حزب اسلام‌گرا یک قدرت سیاسی موثر در حیات سیاسی کشور محسوب می‌شود، به شکلی که بدون حضور آن بحران‌های سیاسی جامعه حل نخواهد شد.

### جریان اسلام‌گرایی و کودتای ارتش در سال ۱۹۸۰

به‌رغم آنکه بسیاری کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ توسط ارتش در ترکیه را به‌دلیل بحران‌های سیاسی و اقتصادی در کشور می‌دانند، در واقع باید گفت یکی از علل اصلی کودتا رشد جریان اسلام‌گرایی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی بوده است. شاید بتوان گفت عدم توافق میان احزاب موجود برای تشکیل کابینه و اختلافات گسترده میان گروه‌ها و قومیت‌های مختلف از جهت سیاسی از یک طرف و مشکلات اقتصادی چون افزایش تورم و بیکاری کاهش ارزش پول ملی در مقابل دلار و افزایش تنش‌های اجتماعی از سوی دیگر، از دلایلی بوده که ارتش ترکیه را بر آن داشت به بهانه دفاع از مبانی آتاتورک دست به کودتا بزند، اما در واقع این رشد جریان

اسلام‌گرایی و شعارها و برنامه‌های حزب سلامت ملی به رهبری اربکان بود که ارتش را بر آن داشت تا در عرصه سیاسی دخالت کند.

اربکان در دولت‌های ائتلافی همواره به وزرای امور خارجه هشدار می‌داد که از نزدیک شدن به غرب و برقراری روابط نزدیک با اسرائیل خودداری کنند و بیشتر در جهت تقویت روابط با کشورهای عربی و اسلامی تلاش کنند. به‌خصوص با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تاکید اربکان بر این نکته که انقلاب اسلامی ایران به منزله رهایی از سلطه امپریالیسم است و ترکیه باید روابط دوستانه‌ای با این کشور داشته باشد،<sup>۱۶</sup> بیش از پیش ارتش را نگران بقای نظام آتاتورک کرده بود. همچنین مواضع اربکان مبنی بر محکومیت پایتخت قرار دادن بیت‌المقدس از سوی اسرائیل و تاکید بر آزادی قدس از طریق جهاد در میان جمعیت تظاهرکننده در قونیه و امتناع او از شرکت در جشن‌های روز پیروزی در اوت ۱۹۸۰ همه از جمله مسائلی بود که ارتش را نگران ساخته بود که اربکان می‌خواهد یک دولت اسلامی را جایگزین جمهوری دموکراتیک ترکیه کند. در این شرایط ارتش به فرماندهی کنعان اورن رییس ستاد کل به بهانه پایان دادن به هرج و مرج و بی‌ثباتی امنیتی، حراست از وحدت ملی، دفاع از اصول نظام سکولار، برقراری عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق و آزادی‌های فردی در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ دست به کودتا زد.

### دستگیری و محاکمه اربکان اقدامی در برابر گسترش اسلام‌گرایی

پس از کودتا تمامی رهبران احزاب سیاسی در دولت ائتلافی دستگیر شدند؛ بلنت اجویت رهبر حزب جمهوری‌خواه خلق، سلیمان دمیرل رهبر حزب عدالت و نجم‌الدین اربکان رهبر حزب سلامت ملی به جرم به خطر انداختن مبانی نظام لایبیک و ناتوانی در کنترل اوضاع سیاسی و امنیتی و حل مشکلات اقتصادی بازداشت شدند. برخورد کودتاگران با دستگیرشدگان کاملاً متفاوت بود، در حالی که ماموران دولت کودتا رهبران دو حزب جمهوری‌خواه و عدالت را با احترام به بازداشت‌گاه منتقل کردند و پس از یک محاکمه کوتاه آنها را از اتهام تبرئه نموده و آزاد کردند، اربکان پس از دستگیری برای محاکمه به دست دادگاه نظامی سپرده شد. عمده‌ترین اتهاماتی که در دادگاه به او وارد شد، تلاش برای انجام فعالیت‌های دینی و به خطر انداختن اصول و مبانی

نظام آتاتورک بود. بنابر نظر دادگاه قانون اساسی، با توجه به اینکه حزب سلامت ملی بر اساس مبانی دینی تاسیس شده، اقدام به راهاندازی دوره‌های حفظ قرآن کریم در روستاها کرده و تلاش کرده است روز جمعه را به‌عنوان تعطیل رسمی قرار دهد و همچنین درصدد بوده است تا ازدواج شرعی را قانونی کند، بنابراین دادگاه رای خود را در ۲۴ فوریه ۱۹۸۳ مبنی بر ۴ سال زندان برای اربکان و دوستانش و یک سال و چهارماه اقامت جبری در شهر اسکی و محرومیت از هر نوع فعالیت سیاسی در دوره محکومیت اعلام کرد.<sup>۱۷</sup> با درخواست تجدیدنظر از سوی اربکان و دوستانش در رای صادره، دادگاه تجدیدنظر حکم صادره را ابطال کرد، اما حکم ممنوعیت فعالیت سیاسی به‌قوت خود باقی ماند.

## دوره سوم: حاکمیت لیبرالیسم اقتصادی و بازار آزاد

### اصلاحات سیاسی - اقتصادی اوزال و جریان اسلام‌گرایی

پس از کودتای ۱۹۸۰ نظامیان تصمیم گرفتند زمینه را برای ظهور احزاب جدید فراهم سازند و قدرت را بار دیگر به غیرنظامیان واگذار کنند. احزاب متعددی از جمله حزب رفاه در سال ۱۹۸۳ تاسیس شد، اما در انتخابات ۱۹۸۳ تنها سه حزب خلق به ریاست نجوت چالپ، حزب دموکراسی ملی به ریاست توگورت سونالپ و حزب مام میهن به ریاست تورگوت اوزال اجازه شرکت در انتخابات را یافتند که از میان آنها حزب مام میهن به پیروزی دست یافت و دولت را تشکیل داد. حزب مام میهن از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷ با جذب اسلام‌گرایان به کابینه نقش مهمی در رشد و گسترش اسلام‌گرایی داشته است. اوزال با صراحت اعلام می‌کرد که دین مولفه اساسی هویت ترکیه است؛<sup>۱۸</sup> او با اتخاذ سیاست باز سیاسی و اقتصادی تلاش کرد تا میان توسعه و عمل‌گرایی سیاسی با سنن دینی انطباق ایجاد کند، این امر مسیر را برای اسلام و فرهنگ عثمانی هموار ساخت تا در حیات جامعه نقش جدیدی را ایفا کنند. او شاید اولین رییس دولت در ترکیه بود که در ماه مبارک رمضان در محل نخست‌وزیری ضیافت افطار برای عموم برپا کرد و اولین نخست‌وزیر ترکیه بود که برای انجام فریضه حج به مکه مشرف شد و در نماز جمعه حضور یافت.<sup>۱۹</sup> اوزال در برابر کشورهای عربی و اسلامی نیز سیاست باز اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را

درپیش گرفت و مرزهای ترکیه را برای جذب سرمایه‌های کشورهای عربی به روی آن کشورها گشود. سیاست‌های اوزال که باعث رشد طبقه جدیدی از صنعت‌گران و تجار در جامعه ترکیه شده بود، نقش مهمی در حیات سیاسی این کشور در آینده داشت. این نخبگان جدید که جمعیت آنها رو به فزونی گذاشته بود، هیچ تناقضی میان گشودن درها به سوی غرب و حفظ هویت اسلامی خود نمی‌دیدند، بلکه به عکس آنها معتقد بودند این اصلاحات دینی در اروپا بوده است که باعث پیشرفت صنعتی آن کشورها شده و آنها را به ابرقدرت اقتصادی دنیا تبدیل کرده است.<sup>۲۰</sup> برخی معتقدند که سیاست‌های اوزال موجب شد تا بخش‌های اقتصادی تحت سلطه سرمایه‌داران اسلام‌گرا با توسعه پرشتاب مواجه شود و این مساله اسلام‌گراهای ترکیه را به سوی افق‌های تازه در عرصه‌های اقتصاد، فرهنگ و رسانه و آموزش و پرورش و نهادهای گوناگون اجتماعی سوق دهد و پایگاه اجتماعی موثری در هدایت جنبش‌های اجتماعی و سیاسی ترکیه ایجاد کند.<sup>۲۱</sup>

بدون تردید باید گفت، یکی از دلایل موفقیت اوزال در دهه ۱۹۸۰ این بود که وی توانسته بود میان تمامی دیدگاه‌ها، خواه چپ و راست و خواه دیدگاه‌های ناسیونالیست و اسلامی، تعادل و توازن ایجاد کند. سیاست‌های عمل‌گرایانه اوزال در عرصه اقتصادی و سیاسی، نقش موثری در رشد و گسترش اسلام‌گرایی در دهه ۱۹۹۰ در ترکیه داشت. شکل‌گیری حزب رفاه به رهبری اربکان و رویکرد گسترده مردم به این حزب، پیامد اصلاحات سیاسی و اقتصادی اوزال در دهه ۱۹۸۰ میلادی بود.

### شکل‌گیری حزب رفاه و رشد اسلام‌گرایی در ترکیه

حزب رفاه زیر چشمان تیزبین رهبران کودتای ۱۹۸۰ و با اشاره اربکان و توسط علی ترکمن از نزدیکان وی در ۱۹ ژوئیه ۱۹۸۳ تاسیس شد. اربکان به‌دلیل شرایط خاص حاکم بر ترکیه نتوانست با صراحت اعلام کند که حزب رفاه یک حزب اسلامی است، اما او سعی کرد تا رویکرد اسلامی حزب را با صبغه اخلاقی - اصلاحی بیوشاند. از این‌رو وی با توجه به ایدئولوژی اسلامی خود، چارچوب حزب رفاه را با عنوان «نظام عادل» تعیین کرد. هرچند این حزب به‌دلیل

مخالفت شورای امنیت ملی ترکیه نتوانست در انتخابات عمومی ۱۹۸۳ شرکت کند، اما در انتخابات شهرداری‌های محلی در مارس ۱۹۸۴ توانست با کسب ۵ درصد آرا، کنترل ۱۷ شهرداری در دو استان وان و اورفا را در دست گیرد.<sup>۲۲</sup>

در سال ۱۹۸۶ ممنوعیت فعالیت سیاسی اربکان لغو شد و بلافاصله وی به رهبری حزب رفاه انتخاب شد. این حزب در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۷ موفق شد به ۷/۲ درصد آرا دست یابد، اما بر اساس قانون جدید انتخابات که باید هر حزب ده درصد آرا را به دست می‌آورد تا بتواند وارد پارلمان شود، نتوانست نماینده‌ای را به پارلمان بفرستد. اما نمایندگان حزب رفاه در انتخابات شهرداری‌ها که در سال ۱۹۸۹ برگزار شد، به ۹/۸ درصد آرا دست یافتند. بسیاری موفقیت حزب رفاه در انتخابات شهرداری‌ها در سال ۱۹۸۹ را در نتیجه اقدامات موثر آنها در خدمات‌رسانی به مردم و شهرت و اعتبار آنها در درست‌کاری می‌دانند، چون تمامی ادارات شهری که توسط شهرداران اسلام‌گرا اداره می‌شدند، با فساد اداری مقابله می‌کردند و برای طبقات کارگر خدمات شهری مناسبی را ارائه می‌دادند. برخی دیگر موفقیت حزب رفاه در ترکیه را صرفاً به ارائه خدمات شهری به شهروندان ترک محدود نمی‌کنند، بلکه تاکید می‌کنند این برداشت خاص آنها از اسلام و تاریخ ترکیه بوده است که حزب رفاه را به یک قدرت سیاسی و فکری مسلط در جامعه تبدیل کرده است؛ چون اسلام‌گرایان در حزب رفاه بر این اعتقاد بودند که اسلام از لحاظ اجتماعی در اشکال گوناگون حیات بشری تجسم می‌یابد، بنابراین اسلام به دلیل انعطاف‌پذیری و ارزش‌های نمادین‌اش در بسیج شهروندان ترک بسیار موثرتر از ملی‌گرایی و سوسیالیسم عمل کرده است.<sup>۲۳</sup>

در شرایطی که کشور را مشکلات اقتصادی و بحران‌های سیاسی و بی‌ثباتی امنیتی فرا گرفته بود، به درخواست اوزال پیشنهاد شد تا انتخابات پارلمانی یک سال زودتر از موعد قانونی در سال ۱۹۹۱ برگزار شود. علاوه بر مشکلات سیاسی و اقتصادی، حمایت اوزال از حمله نظامی آمریکا در جریان جنگ دوم خلیج فارس در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۱ نیز منجر به کاهش محبوبیت مردمی دولت وقت شده بود. حزب مام میهن که در دهه ۸۰ توانسته بود آرای اسلام‌گرایان را به نفع خود جلب کند، با ورود حزب رفاه به عرصه رقابت و انتقادات گسترده این حزب از سیاست‌های اوزال به پایگاه حزب مام میهن در میان اسلام‌گرایان ضربه جدی وارد کرد. در این انتخابات که در ۲۰



اکتبر ۱۹۹۱ برگزار شد، حزب رفاه موفق شد تا با ائتلاف با سایر احزاب به ۱۷ درصد از کرسی‌های پارلمان دست یابد.

با گذشت زمان بر محبوبیت حزب رفاه در میان مردم ترکیه افزوده شد، چون این حزب در انتخابات شورای شهرداری‌ها در اول اکتبر ۱۹۹۲ در حوزه‌های مهمی چون استانبول، ازمیر و آنتالی توانست به ۲۵/۵ درصد آرا دست یابد. اربکان در تبیین این موفقیت تاکید کرد؛ این ایمان و اعتقاد حزب بود که پیروزی را برای آن رقم زد، چون از نظر این حزب تنها راه حل از بین بردن فساد در جامعه کار و تلاش جدی همراه با ایمان عمیق بوده است.<sup>۲۴</sup> آرای این حزب در انتخابات شهرداری‌ها در ۲۷ مارس ۱۹۹۴ نیز به ۱۹/۷ درصد افزایش یافت. فروپاشی دولت ائتلافی حزب راه راست و حزب جمهوری خواه خلق، زمینه را برای برگزاری انتخابات پارلمانی زودرس فراهم کرد. پس از موافقت مجلس ملی با برگزاری انتخابات پیش از موعد مقرر، تانسو چیلر رهبر حزب راه راست مامور برگزاری این انتخابات شد. در این انتخابات که در ۲۴ دسامبر ۱۹۹۵ برگزار شد، حزب رفاه به ۲۱/۳۲ درصد آرا دست یافت و موفق شد تا ۱۵۸ نماینده را به پارلمان بفرستد.<sup>۲۵</sup>

اربان پس از این پیروزی در یک نطق ایدئولوژیک محور اعلام کرد او به دنبال تحقق وحدت اسلامی از قزاقستان تا مغرب است که یک‌ونیم میلیارد مسلمان را در بر می‌گیرد. با تحقق این وحدت، دنیای جدیدی خلق خواهد شد و پرچم دولت عثمانی چون گذشته بر فراز آسیا و اروپا به اهتزاز در خواهد آمد. او در ادامه تاکید کرد که مصمم است ائتلاف‌های سیاسی و نظامی جدیدی را با سایر کشورهای اسلامی برقرار سازد و بازار آزاد اسلامی را در منطقه ایجاد کند. او در یکی دیگر از سخنرانی‌های خود تاکید کرد؛ پس از دست یافتن به قدرت تلاش خواهد کرد تا نظام عادل را در جامعه پیاده کند و بوسنی، آذربایجان، چین و فلسطین را آزاد سازد.<sup>۲۶</sup> اربکان همواره تاکید می‌کرد، ضعف و عقب‌ماندگی جامعه اسلامی ناشی از ضعف اسلام نیست، بلکه ناشی از سلطه غرب بر مسلمین است. اربکان به تاریخ امپراتوری عثمانی که ششصد سال قدرت عظیمی را در دست داشت، استناد می‌کرد و بر این نکته تاکید می‌کرد که ما ترجیح می‌دهیم رهبری جهان اسلام را از بوسنی تا شبه‌جزیره عربستان به دست گیریم تا اینکه در اروپا به‌عنوان خط پایان محسوب نشویم.<sup>۲۷</sup>

به‌رغم تمامی هشدارهایی که از سوی محافل لاییک در داخل و محافل غربی در خارج به انتخاب‌کنندگان ترک داده شد تا به کاندیداهای حزب رفاه رای ندهند، مردم ترکیه گفتمان اسلام‌گرا را بر گفتمان غرب‌گرا ترجیح دادند و همان‌طور که در بالا بیان شد، آرای قابل توجهی را به نفع حزب رفاه به صندوق‌ها ریختند. بدین ترتیب باید گفت: پدیده حزب رفاه، محوری‌ترین جلوه رشد اسلام‌گرایی در چند دهه گذشته به حساب می‌آید.

### تشکیل اولین دولت اسلام‌گرا و چالش‌های نظام سکولار

با توجه به نتیجه انتخابات پارلمانی دسامبر ۱۹۹۵ که حزب رفاه در آن به اکثریت آرا دست پیدا کرد، طبیعی بود که این حزب باید دولت را تشکیل می‌داد. اما محافل لاییک به آن اهمیتی ندادند، بلکه همه متحد شدند تا به‌رغم اختلافاتی که با یکدیگر داشتند از به قدرت رسیدن حزب رفاه جلوگیری کنند. بر این اساس رهبران حزب مام میهن و حزب راه راست با توافقی میان یکدیگر دولت ائتلافی را تشکیل دادند. به‌رغم اینکه دولت ائتلافی به رهبری مسعد ایلماز اعلام کرد یکی از اهداف مهم دولت او انجام اصلاحات دموکراتیک و اقتصادی است تا اوضاع اقتصادی بهبود و تورم کاهش یابد، اما این ائتلاف ضعیف نتوانست به بحران اقتصادی پایان دهد، بلکه اندکی بعد فروپاشید.

محافل لاییک اعم از احزاب راست و چپ و ارتش تلاش گسترده‌ای به‌عمل آوردند تا از به‌قدرت رسیدن حزب رفاه جلوگیری کنند، حتی سلیمان دمیرل، رئیس‌جمهور وقت، پیشنهاد برگزاری انتخابات زودرس پارلمانی را داد تا بار دیگر احزاب سکولار به اکثریت دست یابند. اما با توجه به گفتمانی که اربکان به‌عنوان حزب رفاه در افکار عمومی آرایه داده بود، شرایط به شکلی رقم خورد تا نظام لاییک به ناچار اربکان را مامور تشکیل دولت کند. اربکان با حمله به دولت ائتلافی و انتقاد از فساد اقتصادی رهبران آن و اعتراض به امضای قرارداد نظامی میان ترکیه و اسرائیل با قاطعیت اعلام کرد، این تنها حزب رفاه است که قادر است مشکلات داخلی و خارجی کشور را حل کند. او تصریح کرد که آماده است در چارچوب قواعد دموکراتیک دولت را تشکیل دهد.

دولت ائتلافی به رهبری ایلماز به علت اختلافات حزبی و رقابت شخصی بین روسای دو حزب

پس از شش ماه سقوط کرد. سرانجام پس از دو ماه بی‌ثباتی، رییس‌جمهور وقت اربکان را مامور تشکیل کابینه کرد. اربکان بلافاصله با دو حزب دیگر وارد مذاکره شد. محافل لایبیک در ترکیه امید داشتند که به دلیل اختلاف سایر احزاب لایبیک با حزب اسلام‌گرای رفاه، دوباره نوبت ائتلاف میان احزاب لایبیک خواهد شد، ولی اربکان پس از چند دور مذاکره با تانسو چیللر، رهبر حزب راه راست، با انتشار بیانیه‌ای توافق با آن را برای تشکیل دولت اعلام کرد. بر اساس قراردادی که میان دوطرف امضا شد، نخست‌وزیری را اربکان و مسئولیت معاونت نخست‌وزیری و همچنین وزارت امور خارجه را تانسو چیللر بر عهده گرفت تا دوره دو ساله بعدی مسئولیت‌ها تعویض شود و مسئولیت وزارت‌خانه‌ها به نسبت تعداد کرسی اشغال شده در مجلس تقسیم گردد.

پس از این توافق، سلیمان دمیرل در نشست با اربکان او را در ۲۸ ژوئن ۱۹۹۶ به‌عنوان نخست‌وزیر جدید تعیین کرد تا از پارلمان رای اعتماد بگیرد. به‌رغم مخالفت‌هایی که از سوی برخی از اعضای حزب راه راست با چیللر به دلیل همکاری با حزب رفاه صورت گرفت، اربکان در تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۶ در یک مصاحبه مطبوعاتی با اتخاذ موضعی معتدل و اعلام پایبندی به تعهدات دولت‌های گذشته در داخل و خارج، زمینه را برای کسب رای اعتماد در پارلمان فراهم کرد. دولت ائتلافی اربکان - چیللر، بالاخره موفق شد با کسب ۲۷۸ رای موافق در برابر ۲۶۵ رای مخالف، از مجلس رای اعتماد بگیرد و پس از ۳۰ سال انتظار در راس حکومت قرار گیرد.<sup>۲۸</sup> به‌نظر می‌رسد رهبران هر یک از دو حزب اهداف خاص خود را از تشکیل این ائتلاف دنبال می‌کردند. البته به ظاهر هر دو دفاع از منافع ملی را علت این همکاری می‌دانستند، اما واقعیت بیان‌کننده چیز دیگری بود. شاید بتوان گفت علت قبول این ائتلاف از سوی چیللر فشار محافل لایبیک به‌خصوص ارتش بود تا با ورود به دولت و در اختیار گرفتن وزارت‌خانه‌های مهمی چون کشور و امور خارجه جلوی عواقب خطرناک مخالفت با اربکان را که از محبوبیت گسترده در میان مردم برخوردار بود، بگیرند. آنها تصور می‌کردند هرچند یک اسلام‌گرا در راس قدرت است، اما با نداشتن پست‌های وزارتی کلیدی خطری برای نظام لایبیک نخواهد بود، بلکه این امر می‌تواند اعتبار نظام لایبیک را به‌عنوان یک نظام دموکراتیک افزایش دهد. از نظر برخی افراد در داخل ترکیه، پیمان اربکان - چیللر نشان‌دهنده آن بود که نظام پارلمانی کارساز است. به گفته بلنت اجویت، نخست‌وزیر سابق ترکیه و مخالف سرسخت

اربکان، مهم‌تر از همه، این امر (ائتلاف دو حزب) نشانه آن است که دموکراسی ترکیه‌ای، با شیوه صحیح خود عمل می‌کند. در واقع محافل لاییک قصد داشتند با ورود یک حزب لاییک به کابینه، یک رقیب قوی در برابر اربکان ایجاد کنند و مانع عملی شدن برنامه‌های او شوند.

اما اربکان با اشاره به تجربه‌اش در گذشته اعلام کرد: ما آماده همکاری با تمامی احزاب برای خدمت به کشور هستیم. این موضع اربکان بیان‌گر این بود که او به خاطر حفظ منافع ملی حاضر به عقب‌نشینی از مواضع خود شده است تا بتواند با ائتلاف با یک حزب لاییک دولت را تشکیل دهد. اما باید گفت اربکان به افقی فراتر از این نگاه می‌کرد، او که سی سال صبر کرده بود تا در نظام لاییک به قدرت برسد، حال باید از این فرصت طلایی استفاده می‌کرد تا به اهداف اسلام‌گرایان دست می‌یافت. هرچند ورود به این ائتلاف تمامی اهداف اربکان را محقق نمی‌کرد، وی از این طریق تلاش می‌کرد تا با افزایش مشروعیت حزب‌اش، ایده دورنگه داشتن اسلام‌گرایان از حوزه حکومت را بی‌اعتبار سازد.<sup>۲۹</sup> او می‌خواست به مردم ترکیه اثبات کند همان‌طور که این حزب در شهرداری‌ها موفق عمل کرده است، در اداره کشور نیز توانمند عمل خواهد کرد.

### راهبرد دولت اربکان و رویارویی نظامیان با آن

اربکان به‌رغم شعارهایی که در دو دهه گذشته مبنی بر مقابله با امپریالیسم، صهیونیسم و یا خروج از ناتو داده بود، پس از دستیابی به قدرت در ژوئن ۱۹۹۶ از آنها عقب‌نشینی کرد و از مبالغه در اسلام‌گرایی و انتقاد از ناتو و اتحادیه اروپا دست کشید. وی وعده داد که روابط نزدیکی با غرب برقرار خواهد کرد و به تمام توافق‌نامه‌های بین‌المللی سابق احترام خواهد گذاشت. اربکان با کنار گذاشتن مواضع ایدئولوژیک خود به‌طور موقت و با آگاهی دقیقی که از جامعه پیچیده ترکیه داشت، تلاش کرد تا از موانع متعدد عبور کند. البته اقدامات اربکان هرچند در کوتاه‌مدت می‌توانست موجب کاهش محبوبیت او در میان مردم شود، اما در درازمدت می‌توانست جریان اسلام‌گرایی را به‌عنوان جریانی توانمند برای اداره کشور به جامعه معرفی کند. اربکان در ارايه برنامه‌های خود به مجلس، دولت خود را دولت فقرا معرفی و بیشتر بر حل مشکلات اقتصادی مردم و رفع ظلم در کشور تاکید کرد.

دولت اربکان در ابتدای شروع به کار با موافقت‌نامه نظامی ترکیه و اسرائیل موافقت کرد؛ با حضور نیروهای غربی در جنوب شرقی ترکیه برای حمایت از کردهای شمال عراق موافقت نمود؛ از تصمیمات مربوط به اخراج افسران دارای گرایش‌های اسلامی از نیروهای مسلح حمایت کرد؛ خود را سکولار واقعی و پیرو واقعی آتاتورک توصیف نمود؛ از تحرکات نیروهای آمریکائی در شمال عراق چشم پوشید و برای ادای احترام به اسحاق رابین نخست‌وزیر معدوم اسرائیل دو تن از نمایندگان حزب رفاه را همراه با یک هیات پارلمانی به این کشور فرستاد.<sup>۳۰</sup> هرچند تن دادن اربکان به خواسته‌های نظامیان و عقب‌نشینی از شعارهای انتخاباتی خود، بسیاری از طرفداران این حزب را به خشم آورد، اما باید به این واقعیت نیز اشاره کرد که او در شرایطی به قدرت رسید که باید با درایت بیشتری عمل می‌کرد تا بتواند موانع پیش رو را بردارد و به اهداف درازمدت حزب خود دست یابد. وی در واقع می‌خواست این واقعیت را مطرح کند که اسلام‌گرایان بخشی از حیات سیاسی ترکیه به‌شمار می‌آیند که با روش‌های دموکراتیک قدرت را در دست می‌گیرند و با روش‌های دموکراتیک از حوزه قدرت کناره‌گیری می‌کنند. هم جریان‌های لایبک در داخل کشور و هم قدرت‌های غربی منتظر بودند تا با آشکار شدن ناتوانی حزب رفاه در اداره کشور زمینه را برای از بین بردن پایگاه مردمی اسلام‌گرایان فراهم سازند. نظامیان امیدوار بودند تا اربکان پس از ورود به عرصه اجرایی کشور و برخورد با مشکلات داخلی، نتواند به بسیاری از وعده‌های انتخاباتی خود عمل کند، در نتیجه اعتبار خود را در میان مردم به تدریج از دست داده و زمینه برای اقبال مردم به سوی احزاب لایبک هموار شود.

اربکان در کنار اقدامات اطمینان‌بخش فوق برای جلب اعتماد نظامیان و سکولارها، از گزینه‌های اسلامی خود در سیاست خارجی و داخلی چشم‌پوشی نکرد. او در عرصه سیاست خارجی با تاسیس گروه هشت اقتصادی با عضویت هشت کشور اسلامی؛ یعنی ترکیه، مصر، پاکستان، ایران، بنگلادش، نیجریه، مالزی و اندونزی رویکرد سیاست خارجی خود را متمرکز بر نگاه به شرق و نزدیکی با کشورهای اسلامی کرد. از نظر اربکان «کشورهای اسلامی و کشورهای خاورمیانه و منطقه آسیا از امکانات و قابلیت‌های بسیار زیادی برای تامین نیازهای تکنولوژیک و صنعتی خود برخوردارند، بنابراین ما باید راه را هموار سازیم تا این کشورها از اتکا

خود به کشورهای بیگانه کاسته و خود یک ائتلاف اقتصادی مشابه گروه هفت را ایجاد کنند.<sup>۳۱</sup> از سوی دیگر در داخل نیز اربکان با دعوت از رهبران گروه‌های مختلف دینی به ضیافت افطار، تاسیس مسجد در منطقه پیشرفته تقسیم در استانبول و دیگری در محوطه کاخ ریاست جمهوری در آنکارا، صدور مجوز به کارمندان زن برای داشتن حجاب اسلامی در ادارات رسمی، آزادی عمل شهروندان برای انجام مراسم مذهبی و برگزاری مراسم روز قدس، نشان داد که حزب رفاه چیزی از هویت خود را از دست نداده است، بلکه چون گذشته همچنان به گفتمان خود پایبند است. با وجود این، برخی بر این باورند که علت فاصله گرفتن اربکان از مواضع معتدل خود، اثرپذیری تدریجی او از تندروهایی بوده است که در آن زمان بدنه اصلی پایگاه انتخاباتی حزب رفاه را تشکیل می‌داده‌اند، این اثرپذیری بر آسیب‌پذیری اربکان در برابر فشار نظامیان افزوده است.<sup>۳۲</sup>

اقدامات اسلام‌گرایانه اربکان موجب شد شورای امنیت ملی ترکیه در ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ طی بیانیه‌ای تصمیماتی را اتخاذ کند که دولت اربکان به اجرا بگذارد. روشن بود که اجرای این تصمیمات به منزله وقوع یک کودتا علیه دولت خواهد بود. تعطیلی همه مراکز نحل‌های گوناگون دینی، سازگاری سیاست‌ها و برنامه‌ها با نظام فراگیر آموزش، عدم تسامح با فعالیت‌های ضد نظام، اجباری بودن آموزش برای مدت ۸ سال، نظارت و کنترل منابع مالی شرکت‌ها و جمعیت‌های وابسته به حزب رفاه، ممانعت از ورود بنیادگرایان به ادارات دولتی، نظارت بر تلاش‌های ایران برای بی‌ثبات کردن ترکیه و نظارت آموزش و پرورش بر مراکز آموزش قرآن و آزادی حجاب در ادارات از مفاد مهم این بیانیه بود که دولت اربکان باید اجرا می‌کرد. هم‌زمان با صدور بیانیه شورای امنیت ملی، ارتش و دستگاه قضایی ترکیه تبلیغات گسترده‌ای را علیه حزب رفاه آغاز کردند و برای اولین بار از اسلام‌گرایی در ترکیه به‌عنوان خطر ارتجاع یاد کردند که با همکاری با کردها و کشورهای اسلامی و برخی گروه‌های اسلامی چون حزب‌الله و حماس ثبات کشور را به‌خطر انداخته‌اند. سخنگویان ارتش ترکیه آشکارا تاکید کرده‌اند که از دید آنها دو تهدید اصلی پیش روی حکومت است: نخست مساله کردهاست که یک پارچگی ملی و سرزمینی کشور را به‌خطر می‌اندازد؛ و دیگری اسلام‌گرایی است که نهادهای مدرن و سکولار آن را به چالش می‌کشد.<sup>۳۳</sup>

با فراهم شدن زمینه‌های لازم در سطح افکار عمومی، تمامی نهادهای سکولار وارد عرصه شدند تا دولت اربکان را از قدرت ساقط کنند. ارتش از توسل به کودتا خودداری کرد تا باعث دوری هرچه بیشتر این کشور از اتحادیه اروپا نشود، بلکه به نمایندگان حزب راه راست فشار وارد کردند تا با هدف از بین رفتن اکثریت پارلمانی دولت ائتلافی از سمت خود استعفا دهند. البته ارتش از این طریق قصد داشت چیلر را به دلیل همکاری با اربکان مجازات و تنبیه کند. نظامیان معتقد بودند که هماهنگی و تفاهم میان دو حزب اسلام‌گرا و سکولار، مفهوم سنتی سکولاریسم در نفی دین و حذف آن از جامعه را به چالش کشیده است. دادگاه قانون اساسی نیز در حکم خود تاکید کرده بود که در یک حکومت سکولار هرگز نباید باورهای مقدس دینی را با سیاست، امور مدنی و قواعد حقوقی که به اتکای داده‌های علمی بر اساس نیاز فرد و جامعه شکل می‌گیرند، در هم آمیخت.<sup>۳۴</sup>

از سوی دیگر نظامیان با گسترش روابط با اسرائیل و امضای یک سلسله موافقت‌نامه‌های مشترک با یکدیگر درصدد بودند تا اربکان را در جلوگیری از این روابط ناتوان نشان دهند؛ امری که می‌توانست به کاهش پایگاه او در میان مردم منجر شود. اربکان درصدد بود تا از این شرایط به‌تدریج عبور کند. حتی او از امضای مصوبات شورای عالی امنیت ملی به دلیل تضاد با دموکراسی خودداری کرد، ولی در نهایت تحت فشار نظامیان و تهدید رییس حزب راه راست شریک ائتلافی‌اش در دولت مبنی بر خروج از ائتلاف به امضای آن تن داد. اربکان با وجود امضای این بیانیه، آن را برای خود الزام آور نمی‌دانست و همواره از اجرای آن طفره می‌رفت. با تشدید فشار نظامیان علیه دولت برای اجرای مفاد بیانیه شورای امنیت ملی و نیز با افزایش فشارها علیه نمایندگان حزب راه راست در پارلمان برای استعفا که به خاطر آن تعداد نمایندگان این حزب در پارلمان از ۱۳۵ به ۹۵ نماینده در ژوئیه ۱۹۹۷ رسید، زمینه برای فروپاشی ائتلاف آماده شد، هرچند اربکان تقاضای برگزاری انتخابات زودرس را به سلیمان دمیرل رییس جمهوری وقت ترکیه ارایه کرد، اما او به دلیل مغایرت این پیشنهاد با قانون اساسی ترکیه آن را نپذیرفت.

اربکان تنها راه برون‌رفت از این بحران را استعفا می‌دانست تا دولت ائتلافی به ریاست تانسو چیلر با معاونت او ادامه یابد. وی در ۱۸ ژوئن ۱۹۹۷ و یک سال پس از تشکیل دولت از مقام

نخست‌وزیری استعفا داد تا راه برای تصدی این پست از سوی خانم چیلر هموار شود. هر چند این اقدام از پشتوانه پارلمانی برخوردار بود، اما دمیرل نامه پارلمانی را نادیده گرفت و مسعود ایلماز رهبر حزب مام مپهن را با وجود عدم برخورداری از اکثریت پارلمانی مامور تشکیل کابینه جدید کرد. بسیاری این اقدام رییس‌جمهور را به منزله کودتای سفید تلقی کردند، خانم چیلر از آن به‌عنوان یک کودتای رسمی یاد کرد، مطبوعات ترکیه از آن به‌عنوان یک کودتای پسامدرن نام بردند، عده‌ای نیز اقدام نظامیان بر ضد دولت قانونی اربکان را به‌عنوان «کودتای نرم» تلقی کردند؛ چون نظامیان برای رسیدن به هدف، انجمن‌های بازرگانی، کارتل‌های رسانه‌ای، روسای دانشگاه‌ها و قوه قضاییه را بسیج کردند تا با اقدام علیه حزب رفاه رهبر آن را مجبور به استعفا کنند.<sup>۳۵</sup> به‌منظور حذف کامل جریان اسلام‌گرا از عرصه سیاست، دادگاه قانون اساسی ترکیه با استناد به اصول ۶۸ و ۶۹ قانون اساسی مصوب سال ۱۹۸۲ انحلال حزب رفاه را در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۸ صادر کرد. در رای صادره از سوی دادگاه آمده بود که حزب رفاه به اتهام تخلفات عدیده از اصول جمهوری سکولار منحل شد و اربکان و ۶ تن از رهبران این حزب از هرگونه فعالیت سیاسی چه در شکل عضو معمولی حزب و چه در احزاب دیگر و چه در تاسیس احزاب جدید به‌مدت پنج سال ممنوع شدند. رجب طیب اردوغان، معاون اربکان و جانشین احتمالی وی، نیز به ده ماه زندان محکوم شد، اما مدتی بعد از زندان آزاد شد و فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت. محکومیت وی نه‌تنها به حیات سیاسی او پایان نداد، بلکه بر محبوبیت او بیش از پیش افزود و در سال ۲۰۰۱ به تنها گزینه رای‌دهندگان مبدل شد.

### تاسیس حزب فضیلت؛ تلاش برای استمرار حضور اسلام‌گرایی در صحنه سیاسی

به‌رغم اینکه از آغاز شکل‌گیری جمهوری لاییک ترکیه تا اواخر قرن بیستم احزاب اسلام‌گرا یکی پس از دیگری با دخالت نظامیان و فشار احزاب لاییک و یا با رای دادگاه از صحنه حذف می‌شدند، ولی هر بار با تاسیس یک حزب جدید بار دیگر فعالیت خود را با نام جدید و برنامه مناسب‌تر از سر می‌گرفتند. احزاب اسلام‌گرا که با خطر انحلال پی‌درپی روبه‌رو بودند، تصمیم گرفتند تا به منظور کاهش آسیب‌پذیری خود با استفاده از قواعد دموکراسی و رژیم پارلمانی با این معضل برخورد کنند.



البته جریان اسلام‌گرایی در ترکیه برخلاف سایر جریانات اسلام‌گرا در کشورهای اسلامی چون الجزایر هیچ‌گاه متوسل به خشونت نشد؛ چون ساختار سیاسی این کشور و سیاست برخی مقامات لایبک در قبال اسلام‌گرایان موجب شد تا از ظهور جریان‌های دینی رادیکال در کشور جلوگیری شود.

حزب فضیلت توسط برخی از دستیاران اربکان پیش از انحلال حزب رفاه تاسیس شد و رهبری آن به عهده آلپ تکین نهاده شد. پس از انحلال حزب رفاه تمامی نمایندگان این حزب به حزب فضیلت پیوستند و پس از برگزاری انتخابات داخلی، رهبری حزب به وزیر انرژی اربکان، رجایی کوتان، واگذار شد. حزب فضیلت با این پیش‌بینی که در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۹ صدرصد آرا را به دست خواهد آورد، وارد عرصه انتخابات شد تا بدون ائتلاف با سایر احزاب دولت را تشکیل دهد، اما پس از برگزاری انتخابات در آوریل ۱۹۹۹ بر خلاف تمامی پیش‌بینی‌ها حزب فضیلت تنها توانست ۱۵/۴۱ درصد آرا را به سوی خود جذب کند و ۱۱۱ نماینده را به مجلس بفرستد، این حزب در مقایسه با انتخابات قبلی از مقام اول به مقام سوم تنزل یافت.

کاهش آرای اسلام‌گرایان در انتخابات سال ۱۹۹۹ نسبت به انتخابات پیشین دلایل مختلفی داشت و بخشی از آن به مسائل درونی خود حزب باز می‌گشت؛ دو دستگی در داخل حزب برای به تعویق انداختن زمان انتخابات پارلمانی، ناتوانی حزب برای جذب تمامی طیف‌های اسلام‌گرا، نوپا بودن حزب و عدم آگاهی مردم از برنامه‌های حزب، فاصله گرفتن از شعارهای اسلام‌گرایی در داخل حزب و نزدیک شدن به نظرات و دیدگاه‌های سکولار از جمله عواملی بود که باعث کاهش آرا حزب فضیلت در این مرحله شد. رهبری حزب فضیلت به‌خاطر کاستن محدودیت‌ها از سوی لایبک‌ها اعلام کرد ما یک حزب مذهبی نیستیم، با غرب و اسرائیل روابط نزدیک برقرار خواهیم کرد و لائیسیتته را لازمه دموکراسی اعلام می‌کنیم، و یا در جایی اعلام کرد که دین از سیاست جداست، اما اعلام چنین موضعی به منزله عدول از شعارهای کلیدی اسلام‌گرایان تلقی می‌شد و این ضربه سختی به محبوبیت حزب فضیلت در افکار عمومی زد. از سوی دیگر، احزاب سکولار دموکرات چپ و حرکت ملی با فاصله گرفتن از شعارهای افراطی لایبک، خود را طرفدار آزادی مردم در انجام فرایض مذهبی از جمله حجاب معرفی کردند، در حالی که حزب فضیلت

همان‌طور که بیان شد شعارهای سکولارها را تکرار می‌کرد تا از فشار لاییک‌ها بر خود بکاهد. این روند موجب کاهش محبوبیت حزب فضیلت در میان اسلام‌گرایان و افزایش محبوبیت احزاب چپ و ملی‌گرایان در میان آنها شد؛ امری که موجب شد این احزاب در انتخابات ۱۹۹۹ در صدر جدول قرار گیرند.

کاهش آرای حزب فضیلت در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۹ به تدریج موجب ایجاد شکاف عمیقی میان اعضای حزب و در نهایت موجب ظهور دو جناح سنت‌گرا و نوگرا در داخل حزب شد. جناح نوگرا و اصلاح‌طلب به رهبری عبدالله گل، جناح محافظه‌کار و سنتی را متهم کرد به اینکه سیاست‌های غلط اربکان و رجایی کوتان موجب کاهش نفوذ حزب در میان مردم شده است. با وجود این، در اولین کنگره بزرگ حزب و در جریان انتخابات درون‌حزبی رجایی کوتان سنت‌گرا توانست با اختلاف ۱۰۰ رأی بر عبدالله گل اصلاح‌طلب به پیروزی برسد، اما بر اساس یک نظرسنجی بیش از ۶۵ درصد از هواداران حزب خواستار رهبری رجب طیب اردوغان و تنها ۱۴ درصد خواستار ادامه خط‌مشی سیاسی اربکان بودند. عبدالله گل، عملکرد ضعیف و سیاست‌های نه‌چندان جذاب و رهبری فعلی حزب را موجب رویگردانی شمار زیادی از هواداران دانست، جمیل چیچک یکی دیگر از اعضای اثرگذار در جناح نوگرا نیز طی سخنانی ابراز داشت: طرفداران حزب فضیلت از سیاست‌های نادرست حزب خسته شده‌اند. رجب طیب اردوغان، شهردار اسلام‌گرای استانبول و عضو جناح اصلاح‌طلب حزب، انحلال احزاب رفاه و فضیلت را صرفاً به خاطر دخالت ارتش ندانست، بلکه او معتقد بود این نگاه بسته حزب رفاه به مسائل جامعه بود که موجب سقوط آنها شد.<sup>۳۶</sup> عبدالله گل و رجب طیب اردوغان به‌شدت طالب سیاست‌های اقتصادی توسعه‌محور و مرزهای باز برای مبادلات تجاری بودند.

در حالی که اختلاف میان دو جناح رقیب در داخل حزب فضیلت در حال افزایش بود، دادگاه قانون اساسی ترکیه نیز وارد عمل شد تا این حزب را چون دیگر احزاب اسلام‌گرا از عرصه سیاست حذف کند. سرانجام دادگاه قانون اساسی ترکیه در ۲۰۰۱ به‌دنبال فشار نظامیان، حزب فضیلت را نیز چون سایر احزاب اسلام‌گرا به اتهام ترویج اسلام افراطی، اقدامات مغایر با جمهوری لاییک و تبدیل شدن به کانون فعالیت‌های ضد لاییک منحل اعلام کرد.

### دوره چهارم: ظهور حزب عدالت و توسعه و آغاز حاکمیت عمل‌گرایی اسلامی

پس از اینکه دادگاه قانون اساسی ترکیه حزب فضیلت را در ۲۲ ژوئن ۲۰۰۱ منحل کرد، بلافاصله دو جناح سنت‌گرا و نوگرای حزب اقدام به تاسیس دو حزب جدید با دو گفتمان متفاوت کردند. جناح سنت‌گرا به رهبری رجایی کوتان با همکاری اربکان حزب سعادت ترکیه را در ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۱ تشکیل دادند، نیمی از نمایندگان حزب منحل شده فضیلت به این حزب پیوستند؛ جناح نوگرای این حزب نیز به رهبری عبدالله گل و رجب طیب اردوغان که از اعضای برجسته حزب رفاه به شمار می‌آمدند، حزب عدالت و توسعه را در ۱۴ اوت ۲۰۰۱ تشکیل دادند.<sup>۳۷</sup>

یکی از عوامل مهم جدایی جناح نوگرای حزب فضیلت از جناح سنت‌گرا، مواضع ایدئولوژیک محور جناح اخیر بود که مسائل ایدئولوژیک و آرمانی را بر منافع ملی در اولویت قرار داده بود، درحالی که رجب طیب اردوغان و عبدالله گل با تاسیس حزب عدالت و توسعه در صدد بودند تا گفتمان دیگری را از اسلام‌گرایی ارایه دهند. عبدالله گل یکی از رهبران موثر در شکل‌گیری این گفتمان بر این باور است که «در حادثه کودتای ۱۹۹۷ همه ما تغییر کردیم و تجربیات فراوان کسب کردیم، ما قصد داریم با حداکثر تلاش به نحو شایسته‌ای از این تجربیات درس بگیریم.» تجربه پیشین اردوغان به‌عنوان شهردار استانبول نیز شکل‌دهنده فهم وی از سیاست بود و این باور را در وی به وجود آورد که مردم بیش از ایدئولوژی یا آرمان‌های بزرگ، توقع خدمت دارند. به اعتقاد وی نخستین تکلیف کسانی که در پی مسئولیت‌های دیوانی هستند خدمت به مردم است. از نظر او حزب عدالت و توسعه حزبی است که بیش از ایدئولوژی در پی خدمت و عمل است.<sup>۳۸</sup> رهبران حزب عدالت و توسعه با این رویکرد جدید در عرصه رقابت‌های انتخاباتی در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ حاضر شدند تا محبوبیت خود را در برابر احزاب رقیب خواه لاییک و خواه اسلام‌گرای سنت‌گرا به قضاوت افکار عمومی بگذارند.

### انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲

انتخابات پارلمانی ترکیه با رقابت ۱۸ حزب با گرایش سکولار و اسلام‌گرا با مشارکت ۳۲/۵ میلیون نفر در نوامبر ۲۰۰۲ برگزار شد و برخلاف تمامی پیش‌بینی‌ها حزب اسلام‌گرای

عدالت و توسعه برای اولین بار در تاریخ جمهوری ترکیه به پیروزی قاطع در برابر احزاب سکولار رسید. این حزب با کسب ۱۰ میلیون و ۸۰۰ هزار رای، ۳۴/۳ درصد از مجموع آرا را به خود اختصاص داد و از حزب ریشه‌دار و با تجربه جمهوری خواه چپ و سکولار پیشی گرفت. بقیه احزاب که نتوانسته بودند به بیش از ده درصد آرا دست یابند، بر اساس قانون از ورود به پارلمان محروم شدند. بدین ترتیب حزب جمهوری خواه خلق به رهبری دنیز بایکال، ۱۸۰ نماینده را به مجلس فرستاد و حزب عدالت و توسعه ۳۶۳ نماینده را روانه مجلس کرد و مامور شد تا بدون ائتلاف کابینه جدید را تشکیل دهد<sup>۳۹</sup> (جدول شماره ۱).

پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ محافل خبری جهان را شگفت‌زده کرد؛ بسیاری آن را به منزله یک زلزله سیاسی تعبیر کردند، چون برای اولین بار بود که یک حزب اسلام‌گرا در نظام لایبیک ترکیه با آرای بسیار بالا به قدرت می‌رسید و برای دومین بار در تاریخ ترکیه بود که یک حزب با اقتدار کامل به تنهایی مامور کابینه می‌شد. بسیاری دیگر پیروزی قاطعانه حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ را به منزله یک عصر جدید در تاریخ معاصر ترکیه به حساب آوردند.<sup>۴۰</sup> در تبیین علل پیروزی حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه می‌توان به عوامل مختلفی اشاره کرد؛ عواملی چون تشدید فشار بر اسلام‌گرایان از سوی ارتش و محافل لایبیک در دهه گذشته، سیاست‌های نظام لایبیک در قبال اقلیت‌های دینی و نژادی، مشکلات اقتصادی، وضعیت فرهنگی جامعه ترکیه، اختلافات شدید میان احزاب لایبیک، حمایت گروه‌های مختلف اسلام‌گرا از حزب عدالت و توسعه، بی‌اعتمادی افکار عمومی به احزاب لایبیک و کارنامه موفق احزاب اسلام‌گرا به خصوص حزب پیروز در گذشته، گرایش‌ها و مطالبات اسلامی مردم ترکیه، شعارها و اهداف حزب عدالت و توسعه و تأکید بر آزادی و حقوق بشر در ترکیه از عوامل موثر در پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی نوامبر در ترکیه در سال ۲۰۰۲ بوده است. با توجه به پیروزی چشمگیر حزب عدالت و توسعه در انتخابات طبیعی بود که تشکیل دولت به عهده این حزب خواهد بود. بنابراین رییس‌جمهور وقت، احمد نجات سزر، عبدالله گل را که سوابق فراوانی در احزاب اسلام‌گرای رفاه و فضیلت داشت در نوامبر ۲۰۰۲ به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب کرد و یک‌سال بعد رجب طیب اردوغان در مارس ۲۰۰۳ به‌عنوان

نخست‌وزیر جدید از پارلمان رای اعتماد گرفت و عبدالله گل به‌عنوان وزیر خارجه انتخاب شد. هرچند مقام نخست‌وزیری در ترکیه از اختیارات بالایی برخوردار است، اما به‌رغم ورود اسلام‌گرایان در حوزه اجراء ریاست جمهوری همچنان در اختیار احمد نجات سزر از جناح سکولار بود. با توجه به اختیارات رییس جمهوری در وتوی مصوبات پارلمان و تعیین قضات از سوی او، این امر می‌توانست موانعی را برای اجرای برنامه‌های حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه ایجاد کند.

### انتخابات پارلمانی ۲۰۰۷

محافل سکولار اعم از ارتش و برخی احزاب بسیج شدند تا از پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۷ جلوگیری کنند. پس از پایان دوره هفت ساله ریاست جمهوری احمد نجات سزر، حزب عدالت و توسعه، عبدالله گل وزیر خارجه را برای تصدی این سمت انتخاب کرد، اما احزاب سکولار و نظامیان با انتخاب او به سمت ریاست جمهوری به‌دلیل پیشینه سیاسی در حزب رفاه و تلاش او برای اعمال اسلام سیاسی در ترکیه مخالفت کردند و انحصار قدرت توسط حزب عدالت و توسعه را موجب ریزش پایه‌های سکولار جمهوری ترکیه دانستند. در این زمینه ارتش تهدید کرد برای حفاظت از سکولاریسم به هر ابزاری متوسل خواهد. <sup>۴۱</sup> ارتش در بیانیه‌ای که دقیقاً بعد از نامزدی گل صادر شده بود، تاکید کرد: «کسانی که با سخنان آتاتورک مشکل دارند، همواره در زمره دشمنان این ملت خواهند بود.» <sup>۴۲</sup>

با انصراف گل از نامزدی ریاست جمهوری، بحران همچنان ادامه پیدا کرد. در این شرایط بحرانی که احزاب سکولار مخالف، مانع انتخاب گل به ریاست جمهوری شده بودند، قرار شد تا انتخابات مجلس پیش از موعد مقرر در ۲۲ جولای ۲۰۰۷ برگزار شود. به‌رغم تمامی تلاش‌ها از سوی محافل لاییک، کارآمدی این حزب در اداره و هدایت کشور و کارنامه قابل قبول دولت اردوغان در بهبود وضعیت اقتصادی رای‌دهندگان ترک را به سوی این حزب متمایل کرد. در این انتخابات که در ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ برگزار شد، حزب عدالت و توسعه توانست ۴۶/۶ درصد آرا را به خود اختصاص دهد که ۱۲ درصد از آرای حزب در دوره قبل بیشتر بود <sup>۴۳</sup> (جدول شماره ۲).

در تبیین عللی که موجب پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه در انتخابات شد، باید گفت عامل اقتصادی نقش تعیین کننده‌ای در این موفقیت داشت؛ چون دولت اردوغان در دور اول زمامداری خود توانسته بود به دغدغه‌های اقتصادی مردم پاسخ گوید و با رشد تولید ناخالص ملی این کشور، از میزان تورم و بیکاری به‌طور قابل توجهی بکاهد. از سوی دیگر از لحاظ سیاسی نیز حزب عدالت و توسعه وعده داده بود که به‌دنبال طراحی قانون اساسی جدیدی است که در صورت پیروزی در انتخابات، اصلاحات لازم را در قانون اساسی انجام خواهد داد. بسیاری از کردها نیز با انتظار بهبود شرایطشان در دولت جدید، در حالی که متوقع حقوق فرهنگی بیشتر، بهبود شرایط اقتصادی و رفتار برابر با خود از طرف حکومت بودند، به نمایندگان حزب عدالت و توسعه رای دادند.<sup>۶۴</sup> در واقع باید گفت حزب عدالت و توسعه در یک دوره از حاکمیت خود، به‌جای تاکید بر مسائل ایدئولوژیک، بر خدمت‌رسانی به مردم و حل مشکلات اقتصادی تاکید کرده بود. پیروزی گسترده حزب عدالت و توسعه مقامات نظامی را نسبت به از دست دادن نقش خود در عرصه سیاسی کشور نگران کرد. آنها در واکنش به پیروزی حزب عدالت و توسعه هشدار دادند در صورت هرگونه تغییر در نظام لاییک ترکیه، ارتش در کمال قدرت مداخله خواهد کرد. ژنرال‌ها با انتشار بیانیه شدیدالحنی در وبسایت رسمی نیروهای مسلح ترکیه تهدید کردند: در صورت لزوم برای محافظت از ماهیت سکولار جمهوری، دولت را سرنگون خواهند کرد. این پیروزی قاطع زمینه را برای پایان دادن به بحران انتخاب رییس‌جمهور نیز هموار ساخت. رای‌گیری برای انتخاب گل در دور اول و دوم در مجلس جدید به‌دلیل مخالفت احزاب لاییک به جایی نرسید، اما در دور سوم عبدالله گل توانست در ۲۸ اوت ۲۰۰۷ با تکیه بر اکثریت نسبی به‌عنوان یازدهمین رییس‌جمهوری ترکیه انتخاب شود. بدین ترتیب ۳۴۱ رای نمایندگان اسلام‌گرای پارلمان ترکیه عبدالله گل را به جایی فرستاد که زمانی جایگاه کمال مصطفی آتاتورک بنیان‌گذار نظام سکولار ترکیه بود. بدین ترتیب با رویکرد گسترده مردم به حزب عدالت و توسعه تمامی ارکان قدرت در ترکیه اعم از ریاست جمهوری، نخست‌وزیری و پارلمان در اختیار اسلام‌گرایان قرار گرفت.

به‌رغم تلاش‌هایی که از سوی نظامیان و احزاب رقیب حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به‌عمل آمد تا پایگاه اسلام‌گرایان در میان مردم کاهش یابد، کارنامه موفق‌تری که این حزب در

عرصه داخلی و بین‌المللی در دو دوره گذشته از خود ثبت کرده بود، موجب شد تا محبوبیت حزب بیش از گذشته افزایش یابد و سکولارها چون گذشته عملاً نتوانند به بهانه به‌خطر افتادن نظام سکولار و یا زیر پا گذاشتن آموزه‌های کمال آتاتورک دست به کودتا علیه دولت اسلام‌گرا و یا انحلال حزب حاکم از طریق مجامع قانونی بزنند. در دوره دوم نیز اسلام‌گرایان به اتهام تحمیل ارزش‌های دینی به جامعه ترکیه مورد حمله قرار گرفتند، چون در سال ۲۰۰۸ دادستان ارشد این کشور حزب عدالت و توسعه را متهم کرد به اینکه این حزب با برگزاری همه‌پرسی برای تغییر قانون اساسی، در جهت تضعیف سکولاریسم و تشکیل حکومت اسلامی حرکت می‌کند و از دادگاه عالی خواستار ممنوعیت فعالیت حزب و ۷۰ عضو آن شده بود.<sup>۴۵</sup>

رهبان حزب عدالت و توسعه بر اساس قوانین موجود به همه این اتهامات پاسخ و به مردم اطمینان دادند نسبت به تمامی مواضع خود پایبند بوده و با مردم از روی صداقت سخن می‌گویند. اردوغان هرگونه طرح مخفیانه برای از بین بردن نظام سکولاریسم در ترکیه نوین را رد گفت: حزب عدالت و توسعه در راستای دموکراتیک شدن ترکیه قدم بر می‌دارد. اردوغان تاکید کرد که قانون اساسی فعلی ترکیه محصول کودتای نظامیان در دهه هشتاد میلادی است و محدودیت‌های فراوانی در حوزه‌های گوناگون حقوق شهروندی، فعالیت احزاب سیاسی، فعالیت اقتصادی بخش خصوصی و سیاست خارجی ایجاد کرده است، بنابراین باید یک قانون اساسی عصری، مدرن و متناسب با حجم و جایگاه این کشور تدوین شود.

### انتخابات پارلمانی ۲۰۱۱

در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ حزب عدالت و توسعه برای رقابت با سایر احزاب وارد عرصه انتخابات پارلمانی شد تا یک بار دیگر عملکرد خود را نزد افکار عمومی به آزمون بگذارد. در این انتخابات که ۸۴/۵ درصد از واجدان شرایط رای در انتخابات شرکت کرده بودند، حزب عدالت و توسعه با کسب ۴۹/۹ درصد آرا توانست به پیروزی بزرگی دست یابد و ۳۲۶ کرسی از ۵۵۰ کرسی پارلمان را تصاحب کند. حزب سکولار جمهوری خلق به‌عنوان مهم‌ترین حزب سیاسی در تاریخ ترکیه نیز با کسب ۲۶ درصد آرا در ردیف دوم قرار گرفت (جدول شماره ۳). این برای اولین بار در تاریخ

ترکیه بود که در تاریخ ترکیه یک حزب می‌توانست با افزایش آرای خود برای سومین بار به قدرت برسد. برای بسیاری از تحلیل‌گران دور از انتظار بود که با توجه به سنگ‌اندازی نظامیان، راست‌گرایان و اندیشه اسلام‌هراسی در جهان، این حزب بتواند پارلمان ترکیه را فتح و بر تفکر «سندروم» خط بطلان بکشد. این میزان گسترده از آرا به حزب عدالت و توسعه اجازه می‌داد تا به دلیل اکثریت قابل توجه پارلمانی بدون ائتلاف با سایر احزاب دولت تشکیل دهد.

بدون تردید باید گفت: پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۱۱، در نتیجه موفقیت‌های این حزب در دو دوره از زمامداری قبل از این انتخابات بود که با اتخاذ یک سیاست عمل‌گرایانه و کنار گذاشتن مواضع ایدئولوژیک محور، موفق شد تا در سطح ملی از طریق انجام اصلاحات و توسعه آزادی‌ها و دموکراسی، کاهش نقش نظامیان در سیاست و اعطای حقوق بیشتر به اقلیت قومی و مذهبی، به تعامل با تمامی گروه‌ها دست یابد، و در سطح بین‌المللی نیز موفق شد با شکستن حصارهای گذشته و گذر از سیاست بسته به سیاست باز و حضور قوی در صحنه سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی به تعامل با تمامی کشورهای جهان (شرق و غرب) بپردازد.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله جریان اسلام‌گرایی در ترکیه با هدف تبیین تاثیر تغییرات ساختاری در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی در این کشور بر رشد و گسترش پدیده اسلام‌گرایی در سال‌های پس از تاسیس نظام لاییک تا دست‌یابی حزب عدالت و توسعه به قدرت مورد بررسی قرار گرفت. از سوی دیگر، تلاش شد تا عوامل موثر در تغییر رویکرد این جریان از آرمان‌گرایی به عمل‌گرایی در سال‌های پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه مورد بررسی قرار گیرد. تحولات ۸ دهه پس از تاسیس نظام لاییک در ترکیه نشان می‌دهد که جریان اسلام‌گرایی در ترکیه در نتیجه تحولات ساختاری در این کشور، توانسته است به تدریج به‌عنوان یک جریان مسلط و اثرگذار در جامعه مسلمان ترکیه با حاکمیت نظام سکولار ظهور کند.

جریان اسلام‌گرایی در ترکیه، در آغاز به صورت یک گفتمان آرمان‌گرا و ایدئولوژیک محور، در



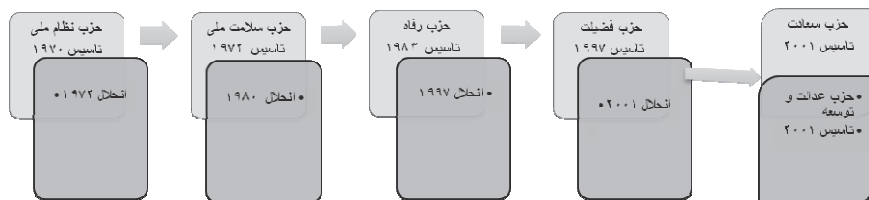
تقابل با گفتمان سکولاریسم شکل گرفت، اما به تدریج با تغییر در رویکرد خود از آرمان‌گرایی به عمل‌گرایی، در هم‌گرایی با آن پدیدار شد. سه دوره نخست از فرآیند این تحول را (۲۰۰۰-۱۹۲۳)، باید به‌عنوان ۸ دهه تلاش هوشمندانه و خردورزانه جریان اسلام‌گرایی در درون نظام سکولار برای تکوین و پذیرش در نظامی با ماهیت اسلام‌ستیز و مخالف با هر نوع فعالیت دینی و مذهبی به‌شمار آورد، در حالی که دوره چهارم (۲۰۰۰ تا کنون) را باید دوره دگرذیسی در رویکرد آرمان‌گرایانه این جریان در جهت عمل‌گرایی اسلامی با هدف هم‌زیستی و هم‌گرایی با گفتمان سکولاریسم در ترکیه دانست.

از اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی با استقرار نظام چندحزبی زمینه برای حضور احزاب دیگر به تدریج فراهم شد. با این تحول ساختاری در بدنه سیاسی این کشور، احزاب لاییک به‌منظور جذب آرای مسلمانان ترکیه، محدودیت‌های وضع شده برای فعالیت‌های مذهبی را از میان برداشتند. از دهه ۱۹۷۰ به بعد با تاسیس دو حزب نظام ملی و سلامت ملی از سوی نجم‌الدین اربکان، جریان اسلام‌گرایی به‌عنوان بخشی از حیات سیاسی نظام لاییک به رسمیت شناخته شد. از دهه ۱۹۸۰ به بعد، ترکیه پس از دو دهه تجربه نظام چندحزبی، شاهد اصلاحات اقتصادی توسط دولت عمل‌گرای اوزال بود. این تحولات موجب شد تا جریان اسلام‌گرایی از فرصت برآمده از شرایط سیاسی و اقتصادی، به بازسازی خود برای ایفای نقشی موثرتر در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی بپردازد. انحلال احزاب لاییک و اسلام‌گرا پس از کودتای ۱۹۸۰، موجب از بین رفتن انسجام احزاب سیاسی شد. از سال ۱۹۸۳ به بعد احزاب جدیدی از جمله حزب اسلام‌گرای رفاه در ترکیه شکل گرفت که خود را وارث احزاب گذشته می‌دانستند. نکته قابل توجه اینکه هم‌زمان احزاب راست و هم‌زمان احزاب چپ شکاف‌های عمیقی پدید آمده بود، به شکلی که موجب شد تا آنها هیچ‌گاه نتوانند به یک ائتلاف قوی دست یابند. کشمکش میان احزاب، چه در میان احزاب راست و یا در میان احزاب چپ از یک طرف، و از سوی دیگر ناتوانی این احزاب در حل مشکلات اقتصادی این کشور موجب شد تا در کوتاه‌مدت، حزب اسلام‌گرای رفاه در انتخابات سال ۱۹۹۵ با یک تفاوت محدود نسبت به حزب راه مستقیم و مام میهن به جایگاه اول ارتقا داده شود و در درازمدت زمینه برای به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ فراهم شود.

با توجه به مواضع رهبران اسلام‌گرای ترکیه در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، می‌توان گفت که تا سه دهه پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، نگاه رهبری جریان اسلام‌گرایی به مسائل داخلی و خارجی یک نگاه ایدئولوژیک محور بود، اما ساختار حاکم بر ترکیه و قیود قانونی که برای فعالیت احزاب اسلام‌گرا در این کشور وجود داشت، در نهایت رهبران اسلام‌گرا را در یک دهه اخیر بر آن داشت تا با استفاده از این تجربه به منظور تضمین بقای خود در عرصه سیاسی این کشور، به گفتمان جدیدی روی آورند.

عواملی چون سرکوب شدید این جریان توسط حامیان نظام سکولار در کودتای فوریه ۱۹۹۷، ظهور نسلی نوظهور با نگرش لیبرالی و معتقد به اقتصاد بازار، شکل‌گیری طیف روشنفکران جدید مسلمان و شروط اتحادیه اروپا در چارچوب موازین کپنهاک برای پیوستن این کشور به این اتحادیه، موجب شد تا جریان اسلام‌گرایی به تدریج به عمل‌گرایی روی آورد. در واقع باید گفت: به دنبال این تحولات، رهبران حزب عدالت و توسعه، گفتمان اسلام‌گرایی در سه دهه اخیر را که مبتنی بر ایدئولوژی و آرمان‌گرایی بود با گفتمان جدیدی جایگزین کردند که با قرار دادن واقع‌گرایی و عمل‌گرایی به جای ایده‌گرایی و شعارزدگی، منافع ملی ترکیه را بر رویکرد ایدئولوژیک ترجیح می‌داد. بدین ترتیب باید گفت از نظر رهبران اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه منبع اصلی مشروعیت این حزب نه ایدئولوژی، بلکه رفع نیاز مردم و تامین عدالت برای همه است. چنین رویکردی اردوغان را به عنوان عمل‌گراترین رهبر در تاریخ ترکیه، با کمترین پایبندی به ایدئولوژی معرفی کرده است.

نمودار شماره ۱: فرآیند تحول در جریان اسلام‌گرا



جدول شماره ۱: احزاب شرکت‌کننده در انتخابات سال ۲۰۰۲ پارلمان ترکیه

ردیف	نام احزاب	درصد آرا	تعداد کرسی در پارلمان
۱	حزب عدالت و توسعه (AKP)	۳۴/۲۸	۳۶۳
۲	حزب جمهوری‌خواه خلق (CHP)	۱۹/۴	۱۷۸
۳	حزب راه راست (DYP)	۹/۵۵	۰
۴	حزب حرکت ملی (MHP)	۸/۳۴	۰
۵	حزب جوان (GP)	۷/۲۵	۰
۶	حزب دموکراتیک خلق (DHP)	۶/۲۳	۰
۷	حزب مام میهن (AP)	۵/۱۳	۰
۸	حزب سعادت (SP)	۲/۴۸	۰
۹	حزب چپ دموکراتیک (DSP)	۱/۲۲	۰
۱۰	حزب ترکیه نوین (YTP)	۱/۱۵	۰
۱۱	حزب اتحاد بزرگ (BBP)	۱/۰۲	۰
۱۲	حزب میهن (YP)	۰/۹۴	۰
۱۳	حزب کارگران (IP)	۰/۵۱	۰
۱۴	حزب ترکیه مستقل (BTP)	۰/۴۸	۰
۱۵	حزب آزادی و همبستگی (ODP)	۰/۳۴	۰
۱۶	حزب لیبرال دموکرات (LDP)	۰/۲۹	۰
۱۷	حزب ملی (MP)	۰/۲۲	۰
۱۸	حزب کمونیست ترکیه (TKP)	۰/۱۹	۰
۱۹	مستقل‌ها	۰/۹۹	۹
	جمع	۱۰۰/۰۰	۵۵۰
	تعداد کل رای‌دهندگان: ۳۱,۳۹۸,۴۵۲	درصد کل: ۰۰/۷۹	

Source: <http://arsiv.ntvmsnbc.com/modules/secim2002/genel>.

جدول شماره ۲: احزاب شرکت کننده در انتخابات سال ۲۰۰۷ پارلمان ترکیه

ردیف	نام احزاب	درصد آرا	تعداد کرسی در پارلمان
۱	حزب عدالت و توسعه (AKP)	۴۶/۶۶	۳۴۱
۲	حزب جمهوری خواه خلق (CHP)	۲۰/۸۵	۱۱۲
۳	حزب حرکت ملی (MHP)	۱۴/۲۹	۷۱
۴	حزب دموکرات (DP)	۵/۴۱	۰
۵	حزب جوان (GP)	۳/۰۳	۰
۶	حزب سعادت (SP)	۲/۳۴	۰
۷	حزب ترکیه مستقل (BTP)	۰/۵۱	۰
۸	حزب ترقی مردم (HYP)	۰/۵۰	۰
۹	حزب کارگران (IP)	۰/۳۶	۰
۱۰	حزب روشن ترکیه (ATP)	۰/۲۹	۰
۱۱	حزب کمونیست ترکیه (TKP)	۰/۲۲	۰
۱۲	حزب آزادی و همبستگی (ODP)	۰/۱۵	۰
۱۳	حزب لیبرال دموکرات (LDP)	۰/۱۰	۰
۱۴	حزب کار (EP)	۰/۰۸	۰
۱۵	مستقلها	۵/۲۰	۲۶
	جمع	۱۰۰/۰۰	۵۵۰
تعداد کل رای دهندگان: ۳۵,۰۱۷,۳۱۵		درصد کل: ۴/۸۴ درصد	

Source: <http://secim2007.ntvmsnbc.com/default.aspx>

جدول شماره ۳: احزاب شرکت کننده در انتخابات سال ۲۰۱۱ پارلمان ترکیه

ردیف	نام احزاب	درصد آرا	تعداد کرسی در پارلمان
۱	حزب عدالت و توسعه (AKP)	۴۹/۸۳	۳۲۷
۲	حزب جمهوری خواه خلق (CHP)	۲۵/۹۸	۱۳۵
۳	حزب حرکت ملی (MHP)	۱۳/۰۱	۵۳
۴	حزب سعادت (SP)	۱/۲۷	۰
۵	حزب صدای مردم (HAS)	۰/۷۷	۰
۶	حزب اتحاد بزرگ (BBP)	۰/۷۵	۰
۷	حزب دموکرات (DP)	۰/۶۵	۰
۸	حزب حق و مساوات (HEPAR)	۰/۲۹	۰
۹	حزب چپ دموکراتیک (DSP)	۰/۲۵	۰
۱۰	حزب راه حق (DYP)	۰/۱۵	۰
۱۱	حزب کمونیست ترکیه (TKP)	۰/۱۵	۰
۱۲	حزب ملی (MP)	۰/۱۴	۰
۱۳	حزب محافظه کار و ناسیونالیست (MMP)	۰/۰۸	۰
۱۴	حزب کار (EP)	۰/۰۷	۰
۱۵	حزب دموکراتیک لیبرال (LDP)	۰/۰۴	۰
۱۶	مستقل ها	۶/۵۷	۳۵
	جمع	۱۰۰/۰۰	۵۵۰
تعداد کل رای دهندگان: ۴۲,۹۴۱,۷۶۳		درصد کل: ۵/۸۴ درصد	

Source: <http://www.ysk.gov.tr/ysk/index.html>

پی‌نوشت‌ها:

1. Bernard Lewis, *the Emergence of Modern Turkey*, Oxford: Oxford University Press, 2002, p. 283.
۲. محمود السامرائی، استراتیجیه ترکیه السياسیه المعاصره، موصل: دارالکتب للطباعه والنشر، ۲۰۰۶، ص ۵.
3. *Türkiye Cumhuriyeti Anayasası*, 1961.
۴. جلال ورغی، الحركه الاسلاميه التركيه: معالم التجربه و حدود المنوال فی العالم العربی، بیروت: الدار العربيه للعلوم، ۲۰۱۰، ص ۳۴.
5. M. Jacob Landau, *Turkey of Pan-Islam, Ideology and Organization*, Oxford: Clarendon Press, 1994, p. 1.
6. *Türkiye Cumhuriyeti Anayasası*, 1961 .
۷. موفق بنی المرجه، صحوه الرجل المريض، الكويت: مؤسسه صقر الخلیج، ۱۹۸۴، ص ۳۹۱.
8. Stanford J. Shaw, *History of the Ottoman Empire and Modern Turkey*, London: Cambridge University Press, 1977, p. 405.
۹. محمد خلیفه، الحركه الاسلاميه فی نصف قرن، القاهره: مركز الاهرام للشؤون السياسيه، ۲۰۰۳، ص ۵.
10. Feroz Ahmad, *The Turkish Experiment of Democracy 1950-1975*, London: West View Press; 1997, p. 383.
11. Talip Kucukcan, "State, Islam, and Religious Liberty in Modern Turkey," *Meria*, 2003/5/31, p. 491.
۱۲. طارق عبدالجلیل السید، الحركات الاسلاميه فی ترکیه المعاصره، القاهره: دراسه فی الفكر و الممارسه، ۲۰۰۱، ص ۹۱.
13. Landau, op.cit., p. 3 .
14. www. all about turkey. com
15. www. aljazeera. com
۱۶. منال الصالح؛ نجم‌الدین اربکان و دوره فی السياسه التركيه؛ ۱۹۶۹-۱۹۹۷، بیروت: الدار العربيه للعلوم و ناشرون، ۲۰۱۲، ص ۱۳۱.
۱۷. جلال عبدالله معوض، صناعه القرار فی ترکیه و العلاقات العربيه - التركيه، بیروت: مركز دراسات الوحده العربيه، ۱۹۹۸، ص ۸۸.
۱۸. منال الصالح، پیشین، ص ۱۷۲.

۱۹. محمدرضا زارع، *علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه*، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۷، ص ۴۰.
۲۰. جلال ورغی، پیشین، ص ۴۷.
۲۱. محمد نورالدین، *ترکیه جمهوری سرگردان؛ بررسی روابط دینداران و سکولارها در جامعه ترکیه*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷.
۲۲. کیهان برزگر، «پیشینه فعالیت‌های شهری حزب رفاه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۲، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸.
23. Huldun Gulap, "Globalization and Political Islam: the Social Bases of Turkey's Welfare Party," *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 33, 2001, p. 287.
۲۴. ولید رضوان، *ترکیا بین العلمانیه و الاسلام فی القرن العشرين*، دمشق: حران، ۲۰۰۵، ص ۲۸۴.
25. Sabri Sayari, "Turkey's Islamist Challenge," *Middle East Quarterly*, Vol. 3, 1996, p. 3.
۲۶. منال الصالح، پیشین، ص ۲۱۱.
۲۷. محمد سالار کسرای، «اسلام‌گرایی در ترکیه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۱۵، ۱۳۷۶، ص ۱۸.
28. Turkish Daily News, 16 July, 1996.
29. Alan Makovsky, "How to Deal with Erdogan," *Middle East Quarterly*, Vol. 1, 1997, p. 3.
۳۰. محمود نورالدین، پیشین، ص ۱۳۱.
31. Judiths Yaphd, "Islamic Radicalism," *Meria*, Vol. 104, 1997, p. 1.
۳۲. م. هاکان یاووز، *سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه*، ترجمه احمد عزیز؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲.
۳۳. برنارد لوییس، «گذار به دموکراسی در ترکیه»، ترجمه آراز امین ناصری، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۲۳۸-۲۳۷، ۱۳۸۶، ص ۱۸.
۳۴. هاکان یاووز، پیشین، ص ۱۸.
35. M. Hakan Yavus, "Political Islam and the Welfare (Refah) Party in Turkey," *IJMES*, Vol. 30, 1997, p. 1.
۳۶. جلال ورغی، پیشین، ص ۱۵۳.
۳۷. محمد نورالدین، «ترکیا... الی این؟ حزب العدالة و التنمیة الی السلطة»، بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربیة، العدد: ۲۸۷؛ ۲۰۰۳، ص ۲۱.
۳۸. هاکان یاووز، پیشین، ص ۱۴۰.

39. Soner Cagaptay, "the November 2002 Elections and Turkey's New Political Era," *Meria*, Vol. 6, 2002, p. 42.

۴۰. محمود نورالدین، «ترکیا... الی این؟ حزب العدالة و التنمیة الی السلطه»، ص ۱۲.

41. Heymi Bahar, "the Real Winners and Losers of Turkey's July 2007 Elections," *MERIA*, Vol. 11, No. 3, 2007, p. 68.

۴۲. هاكان یووز، پیشین، ص ۲۲۷.

43. Birol Yesilada and Barry Rubin, *Islamization of Turkey under the AKP Rule*, London: Routledge, 2011, p. 27.

۴۴. هاكان یووز، پیشین، ص ۴۰۵.

۴۵. جلال ورغی، پیشین، ص ۶۵.